

# چرا گندمی را که برای گندم کاران داخلی ۲۵ ریال تمام میشود، از آنها کیلوئی ۱۸ ریال می خرید؟

اینروزها اخبارجسته وگریخته‌های ازگوشه وکنارکشورمیرسد که خبرازنارضایی‌های گندمکاران میهن ماازدستورالعمل اخیروزارت کشاورزی ونرخ خرید دولتی گندم میدهد. درواقع درشرایط کنونی که کشورما درمحاصره اقتصادی دشمن قراردارد دوبارقدرت امریکاوروسیة برای بلعیدن ماچنگ وودندان نیزگرمه‌اند. صدور چنین دستورالعملی خوب گذاشتن لای چرخ انقلاب است. بقیه در صفحه ۵

در "رنجبر" ۶۱ مقاله‌ای تحت عنوان: "ازگندمکاران داخلی حمایت کنید" چاپ شده که طی آن گفتیم: "با نرخ خرید ۱۸ ریال، دهقانان به افزایش تولید گندم تشویق نخواهند شد!" در "رنجبر" ۳۳ نیزنامه‌یک دهقان خطاب به آیت الله منتظری را چاپ کردیم که در آن نارضایی کشاورزان درمورد قیمت پائین خرید دولتی گندم مطرح شده بود. بدنبال آن، آیت الله منتظری درخطبه‌ای که پیش از نمازجمعه درقم ایراد کرد به پائین بودن قیمت خرید دولتی محصولات کشاورزی اشاره نمود. و به شورای انقلاب و دولت توصیه کرد "جنسهای کشاورزان را با قیمت خوب بخرید!" آیت الله منتظری در سخنان خود گفت: "به چه ملاکی به گندمی که برای آنها ۲۳ ریال الی ۲۵ ریال تمام میشود از آنها ۱۸ ریال می‌خرند؟ این سخنان از زبان کسی است که از نزدیک با کار کشاورزی و مسائل و مشکلات کشاورزان کشور آشنا می‌باشند و در دکشاورزان کشور و اهمیت کار کشاورزی بخصوص تولید گندم را در شرایط حساس کنونی بخوبی احساس میکند.

سال دوم دوره دوم

# رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

یکشنبه ۱ تیرماه ۵۹ شماره ۶۷ تک شماره ۱۰ ریال

آیت الله منتظری :

# روسیه از شکست آمریکا در ویتنام عبرت نمی‌گیرد

است و با او در جنگ وستیز می‌باشد. وی افزود که چهارم سایه شمالی از شکست مفتضحانه امریکا در ویتنام عبرت نمیکرد و در افغانستان برادران و خواهران ماراله میکند. برای ما امریکا و شوروی فرقی ندارد و خیال نکنید که ما حالا که با امریکا دشمن هستیم باروسیة دوست خواهیم شد. آیت الله منتظری در ادامه سخنان خود دانشجویان و جوانان کشور را به کار و فعالیت در روستاها و کارخانجات دعوت کرده و اعلام نمود

حضرت آیت الله منتظری در اجتماع نماز جمعه قم ضمن تاکید بر لزوم حفظ وحدت در جامعه و اجتناب از اختلافات شخصی، در مورد کشتار دستجمعی روسیه در افغانستان گفت که روسیه در افغانستان برادران و خواهران ماراله میکند. آیت الله منتظری ضمن محکوم کردن روسیه گفت که من بعنوان نماینده وزیر ملت ایران اعلام میکنم که ضد اسلام و ضد انسان در هر جا که باشد برای ملت ایران دشمن

تازمانیکه ما احتیاجات اقتصادی خود را از امریکا و روسیه تامین کنیم تو سری خور آنها هستیم و باید با کار خود اقتصاد کشور را از امریکا، اروپا و شوروی واقمار آن بی نیاز کنید. در نماز جمعه تهران: حجت الاسلام خامنه‌ای نیز در خطبه‌های نماز خود به مسئله اشغال افغانستان توسط امپریالیسم روس اشاره کرد. و در مورد موضع ایران نسبت به افغانستان گفت که ما از مبارزات بحق برادران مسلمان

افغانی که وطنشان، شرقشان، دینشان هستی شان مورد تهدید دشمنان اشناگر ظالم دروغگوی مزدور قرار گرفته است حمایت میکنیم. وی افزود که دنیا بداند که رهبران احزاب و گروه‌هایی که در جبهه‌های جنگ در افغانستان دارند می‌جنگند، آنها را نماینده مردم افغانستان میدانیم و نه دولت دست نشانده افغانستان یا هر نوعی کفالت و سرپرستی آن کشور را. ...

انشعاب در سازمان چریکها

# عاقبت "سانتر پسم" افتادن در دامن روسیه است

ها علیه کمونیست‌ها رسید. سانتریست‌ها با گفتن "نه آن ونه این" و "هم این وهم آن" به آسانی موضعی ظاهرا مستقل را اتخاذ میکنند این از ویژگی‌های روشنفکران خرده بورژواست که مایلند، موضعی بی مسئولیت و "مستقل" داشته باشند. اما موضع آنان چه خواهند و چه نخواهند، اولاً التقاطی از دوشی است و دوماً گریختگی تضعیف‌مشی انقلابی و تقویت مشی ضد انقلابی میباشد. سازمان چریکهای فدایی خلق بقیه در صفحه ۵

سانتر پسم از انحرافات رایج درون جنبش مارکسیستی است. سانتریست‌ها همیشه در مبارزه بین دوشی در جنبش کارگری، موضعی بظاهر بینابینی اتخاذ میکنند، تاهردو طرف را با خود داشته باشند. اما در عمل به سازش با مشی نادرست و فرو افتادن در دامن آن کشیده میشوند. مثلی است معروف که بین دو صندلی نمیتوان نشست. در گذشته کاتوئوتسکی با اتخاذ مشی سانتریستی موضعی میان لنین و رژیوننیست‌ها اتخاذ کرد، اما عاقبت کارش به وحدت با رژیوننیست

# کارگران چه انتظاراتی دارند

است: یکی اینکه تضادی بین کارگران و حاکمین کارخانه بعد از انقلاب موجود نیست این نفی واقعیت کنونی جامعه است و مورد پذیرش نیست. تضاد بطور عینی موجود است. یکی دیگر اینکه تضادی بین کل کارخانه، یعنی کارگران، کارکنان و مهندسان کارخانه

"رنجبر" شماره ۶۵ منعکس کردیم. در ادامه صحبت با کارگران، از آنها پرسیدیم از رنجبر چه انتظاری دارید، فکر میکنید چه مسایلی را برای شما کارگران آگاه باید روشن کند؟ کارگری گفت: ما احتیاج به معطومات ه دانش، دانش، کارگران

در گفتگویی که در عرض هفته‌های گذشته با کارگران داشتیم آنها از ظلم و ستمی که در حال حاضر در کارخانه‌های کشور به کارگران زحمتکش میشود صحبت کردند. کارگران از فشار و خفقانی که مدیران کارخانه‌ها با پشتیبانی قدرتمندان دولتی زیر نام شوراها و انجمنها در کارخانه‌ها بوجود آورده‌اند و بر زحمتکشان

# شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران گرامی باد

۳۰ خرداد ماه سال مصادف بود با شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران. در ۳ خرداد ۱۲۹۹ اولین کنگره حزب در بندرانزلی تشکیل شد و بدین ترتیب پرولتاریای ایران ستاد فرماندهی خویش را بنا نهاد. گرچه سازمان حزب، ۸ سال پس از تأسیس آن، در اثر سرکوب فاشیستی

# افغانستان: حمایت خود را از حرف به عمل تبدیل کنیم

نبرد دلاورانه مردم افغانستان علیه ارتش متجاوز ابرقدرت روس به طرز توفانی و همچون سیل بنیان کنی به پیش می‌رود، کرملین با شتاب هر روز بر تعداد قوای تازه نفس اعزامی خود به افغانستان می‌افزاید و بسر میزان ددمنشی و وحشیگری و خونریزی خود نیز می‌افزاید. هم اکنون که چند ماهی بیش از آغاز اشغال افغانستان توسط ارتش روس نمی‌گذرد، ارتش

تزارهای نوین روسی میروند که از حیث میزان حمایت از ارتش آمریکا در ویتنام پیشی بگیرد. اما علیرغم همه این جنایات، ارتش تجاوزگر هر روز بیشتر در تلاق جنگ توده‌های فرو می‌رود، و در سطح سیاسی و دیپلماتیک نیز با مشکلات هرچه بیشتری روبرو میشود.

بزرگ دست به خودکشی میزند و توسط آشین روسی اش زندانی میشود، بعبارت دیگر، حکومت افغانی دست نشانده حتی بصورت سایه‌ای نیز موجود نیست. افراد دویانند "خلق" و "برجم" در خیابانهای کابل با تفنگ و مسلسل به جان هم افتاده و یکدیگر را به قتل میرسانند. طرح فیدل کاسترو در مورد افغانستان، طرحی که هدف آن برسمیت‌شناساندن حکومت ببرگ بود، با شکست مواجه میشود و در عوض، کنفرانس بررسی بحران افغانستان، مجاهدین افغانی را بمثابة یکانه نمایندگان مردم افغانستان در نشست ژنو به رسمیت می شناسد.

از جانب دیگر، مردم افغانستان و مبارزین و مجاهدین افغانی که با اسلحه‌های ابتدائی و در شرائط فوق العاده سخت علیه ارتش تانک دندان مسلح بزرگترین قدرت نظامی دنیا می جنگند، هر روز بیروزی های شگفت تری به دست می آورند و در حال ساختن حماسه‌های بزرگتر از ویتنام اند. آنها قدمی بزرگی در جهت برطرف کردن ضعف اصلی خود یعنی پراکندگی و فقدان وحدت به پیش برداشته و جبهه‌ها و ائتلاف های متعدد برای وحدت و همکاری بوجود آورده‌اند.

در چنین شرائطی، مسأله همبستگی بین المللی با مردم افغانستان به مسأله‌ای حیاتی نه تنها برای جنبش افغانستان بلکه همچنین برای کل جنبش آزادیبخش جهان سوم و کل جنبش ضد جنگ افروزی ابرقدرت شوروی در جهان تبدیل شده است. کلیه خلقها و نیروهای صلح دوست جهان باید همانگونه که در جریان جنگ ویتنام عمل کردند، اکنون نیز جبهه بزرگی علیه تجاوز کاری سوسیال امپریالیسم شوروی و برای دفاع از مردم افغانستان تشکیل دهند.

در این میان، نقش خلقهای ایران و جمهوری اسلامی ایران باید یک نقش بسیار فعال و پیشتان باشد. لکن ما شاهدیم که علیرغم پشتیبانی‌های سیاسی و معنوی مکرر رهبران سیاسی و دینی میهن ما، پشتیبانی مشخص مادی از جنبش افغانستان، همانطور که وزیر امور خارجه در مصاحبه اخیر رادیوئی خود به آن صادقانه اعتراف نمود، بسیار ناچیز است. علاوه بر این، در سطح حمایت سیاسی و دیپلماتیک نیز سیاست ایران دارای اشکال و کمبود بزرگی است و آن عدم اجرای یک سیاست پیگیر برای منفرد کردن شوروی و حتی تعقیب یک سیاست نزدیکی هرچه بیشتر با این ابرقدرت می باشد.

در شرائطی که شوروی نیروهای نظامی خود را برای سلاخی مردم برادر و مسلمان افغانستان پیوسته افزایش میدهد، هیأت اقتصادی ایران به ریاست وزیر اقتصاد برای گسترش خارق العاده مناسبات اقتصادی با شوروی و دست نیاز دراز کردن به سوی همسایه طماع و حیل‌گر و متجاوز شمالی به مسکو می‌رود. این حرف که ایران در برقراری مناسبات اقتصادی خود هیچ شرط سیاسی را نمی پذیرد البته نیت خوبی است، لکن ما میدانیم که منطق ابرقدرتها در برابر این نیت حسنه جهان سوم چیست. از طرف دیگر سخنرانی درباره جمهوری اسلامی و اهمیت انقلاب اسلامی در ایالت آذربایجان شوروی نیز امر خوبی است، لیکن مبارزه برای افراد شوروی و حمایت مشخص مادی و معنوی از انقلاب و نبرد آزادیبخش افغانستان آن چیزی است که مردم افغانستان از جمهوری اسلامی انتظار دارند و اینست مفهوم واقعی "صدور انقلاب اسلامی".

اکنون تجاوز شوروی به افغانستان و در برابر آن نبرد آزادی بخش ملت افغانستان وارد مرحله کاملاً نوینی از رشد خود شده است اکنون وظائف و معیارهای انقلابی ما به ما حکم میکند که هرچه زودتر از مرحله حرف خارج شده و به مرحله عمل وارد شویم.

**نوسازی ارتش**  
**بر مبنای مشی اتحاد بزرگ ملی**  
در صفحه ۶

رژیم رضاخان از هم پاشیده شد ولی نقش ارزنده و تاریخی حزب در رهبری مبارزه پرولتاریا و خلقهای ایران و تدوین تئوری انقلاب، دستاوردهای گرانبها و فراموش نشدنی هستند که کمونیستها در ادامه مبارزه، از آنها بهره میگیرند.

بمناسبت بزرگداشت شصتمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران دیروز مراسمی در خانه تهران "حزب رنجبران ایران" برپاگشت که در طی آن رفیق دکتر علی صادقی عضو کمیته مرکزی حزب، سخنرانی مبسوطی ایراد نمودند که مادرشماره بعدی "رنجبر" فشرده آنرا منتشر خواهیم نمود.

## هشدار پیرامون قضیه نوار دکتر آیت درخت جنگل را نپوشاند ، توطئه اصلی را دریا بید

قضیه نوارهای دکتر آیت علیه بنی صدر رئیس جمهور در آ خر هفته گذشته با انتشار متن پیاده شده نوارها در روزنامه "انقلاب اسلامی" و سایر جراید بزرگ پایتخت، به مهمترین مسأله سیاسی جامعه تبدیل گردید و یاد دعوای مصدق و کاشانی در دوران جنبش ملی شدن صنایع نفت رازنده کرد دعوایی که نتایج

وخیم آنرا برای سرنوشت نهضت تجربه کردیم.

دکتر آیت در این گفتگوها با اطرافیان خود که بر روی نوار ضبط شده است، در بیان مخالفت خود با بنی صدر تا حد نقشه کشی برای اخلال و تخریب در فعالیتهای رئیس جمهور پیش رفته و میکوشد همانطور که در

بقیه در صفحه ۲

## درباره مصاحبه رادیوئی وزیر امور خارجه سیاست خارجی اصولی در برابر انقلابی نمائی

شویه شلوغ کاری و منظره مصاحبه کننده، توانست در دفاع از مشی اصولی ایران در سیاست خارجی، مشی انقلابیگری کاذب را فشانده نشان دهد که این مشی در خدمت روسیه و حزب توده است.

آقای قطب زاده در این گفتگو به اهمیت وحدت با کشورهای جهان سوم که حتی برخی از آنها بدرجات مختلفی به غرب و یا شرق گرایش و وابستگی دارند اشاره نمود و گفت که عده‌ای سعی دارند ایران را "نافته جدا یافته" قلمداد کنند تا ما با حمله به همه سو خود را در جهان منزوی و منفرد نماییم و خواست و سفند در صفحه ۲

از لحاظ شم طبقاتی و موضعگیری خوبند، معمولاً موضعگیری آنها درست است و سمت صحیح را انتخاب میکنند. اما بعلمت عقب ماندگی فرهنگی، ستم و خفقان طولانی از لحاظ معلومات کمبود جدی موجود است. در نتیجه "رنجبر" باید بیشتر به این مسایل بپردازد و یک بیک و بازیان ساده اما بطور همه جانبه و عمیق آنها را بشکافد.

مسائلی را که کارگران مطرح میکردند بفرار زیر بود:

۱- یک کارگر کمونیست طرفدار حزب رنجبران چگونه باید دو تضاد تضاد بین کارگران و حاکمین کارخانه و تضاد بین کل کارخانه و امپریالیسم و عمالشان را بخوبی حل کند؟ ما میدانیم که دونظر نادرست موجود

## سی امین سالگرد تجاوز امپریالیسم آمریکا به کره

چهارشنبه، چهارم تیرماه (۲۵ ژوئن) مصادف با سی امین سالروز تجاوز فاشیستی امپریالیسم آمریکا بخاک کره میباشد. در چنین روزی در سال ۱۳۲۹ (۱۹۵۰) تجاوز گران یانکی که از سرکرده‌گی خود بر جهان مغرور و سرمست بودند بمنظور درهم شکستن نظام نوین جمهوری دموکراتیک خلق کره و بزیر سلطه در آوردن این سرزمین، با صدها هزار تفنگدار و مدرن ترین تسلیحات جنگی یورش وحشیانه خود را بکره آغاز نمودند.

**در این شماره:**

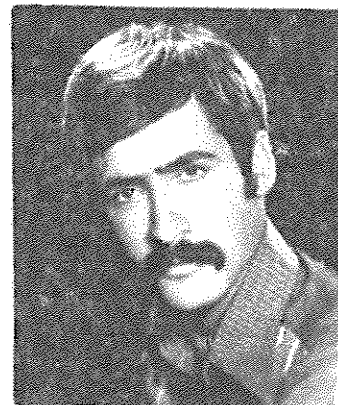
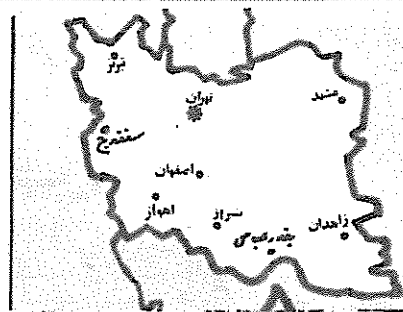
**جنب و جوش دهقانان، اخلال متنفذین و بی توجهی دولت در صفحه ۳**

**اریتیره: رهائیبخش فراموش شده آفریقا در صفحه ۶**

**مراسم سالروز خلع ید در صفحه ۶**

خلق کره با شهادت و قهرمانیهای بیشماری در جنگ مقاومت میهنی و آزادیبخش خویش موفق شد پوزنه یانکی امپریالیسم را بخاک بنشانند و بخش وسیعی از میهن خویش را حفظ و حاکمیت خلق را در آن ادامه دهد. شکست امپریالیسم آمریکا در کره سرآغاز شکستهای بی دربی دیگری برای این جهانخوار در سی سال گذشته میباشد. شکست تجاوز کاران آمریکائی در کره نشان داد که امپریالیسم آمریکا و کلیه مرتجعین امپریالیست نیستند. اکنون ۳۰ سال از این تجاوز میگذرد ولی کشور کره هنوز به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شده و ارتش آمریکا همچنان در بخش جنوبی مستقر است. امروز وحدت دو کره خواست خلقهای این سرزمین میباشد. آنان خواستارند که اتحاد دو کره از طریق مسالمت آمیز، بشیوه

# گزارشات شهرستانها



## مراسم شب هفت

### رفیق نادر شریفی

پنج شنبه ۲۹ خرداد ۵۹ روستاهای بیرکوه در هفتمین روز مرگ معلم عزیزشان نادر شریفی بهمراه کوهپای بیر و سربلک کشیده و جنگلهای دره و متحد منطقهگر هستند. زحمتکشان بیرکوه و روستاهای اطراف در مراسم بزرگداشت نادر در این روز پیمان بستند که غم و اندوه از دست دادن نادر را به نیروی به حرکت درآورنده راهش بدل نمایند. شاگردان نادر یک دست و یک سخن قول دادند معلمین خوبی چون او برای زحمتکشان میهن شان باشند. آنها از خوبیهای نادر آموخته بودند چون او به مبارزهای سهمگین بر علیه دشمنان استقلال و وطنشان برخیزند. آنها آموخته بودند که در راه رسیدن به اهداف مقدس نادر هیچگونه هراسی در مقابل دشمنان خلقهای جهان آمریکا و شوروی به دل راه ندهند. آنها آموخته بودند که انقلاب کبیر و ضد امپریالیستی خلقهای مان را گرامی داشته و در تحقق و به ثمر رساندن آن کوشا باشند، در زیر بخش هایی از نوشته یکی از محصلین نادر که بمناسبت مرگ سرخس در مسجد بیرکوه خواند شد می آوریم.

ولاتحسین الذین قتلوفی سبیل اللہ ماوتنا" . . . . (آل عمران)  
میدارید آنانرا که در راه خدا شهید میشوند مردگانند بلکه زنده اند و در نزد پروردگارشان نوری داده میشوند.

در هفتمین روز از دست دادن معلم عزیز، نادر شریفی را به پدر و مادر و برادر و خواهرشان و به همه هم محلی ها تسلیت عرض می کنیم. برادر خواهر، بله از آن روزی که این برادر در حادثه رانندگی در جاده کنگرود شهید شد واقعا "مردم بیرکوه و حومه عزادار بودند، مخصوصا دانش آموزان. او علاقه شدیدی به انقلاب اسلامی ایران برهبری امام خمینی داشت. او همیشه با توده های مستضعف بوده، توده هایی که همیشه عاشق این فرزند دلیر خلق بودند. خصلتهای خوب او این بود که به بی توانیان کمک میکرد. او میگفت باید وحدت خودمان را بقول امام حفظ کنیم، اگر وحدت نداشته باشیم محال است که بتوانیم یک تغییری در محیط خودمان بدیم. باری او راست میگفت و درست میایدیشید، اولیاسهای تمیز و نه زیاد نونونه زیاد کهنه می پوشید، لباسهای ساده می پوشید، او بدانش آموزان میگفت باید وحدت داشته باشیم تا بتوانیم فعلا یک مدرسه یا حمام بسازیم.

اکنون میهن ما لحظات حساس و سرنوشت سازی را میگذراند لحظاتی سرعت و طولانی بخصوص برای مادران داغ کشیده که غم بزرگ فرزندان دلیرشان را در دل دارند بسیار تعیین کننده است مادران که با فقر و بدبختی با همه چیزها

## ارگان حزب رنجبران ایران

### تا تعیین شورای نگهبان، مجلس جلسه علنی نخواهد داشت

با اینکه تا کنون اعتبار نامه های ۱۹۸ نماینده به تصویب مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران رسیده و مجلس میتواند بطور رسمی شروع بکار نماید ولی بعلت انتخاب نشدن شورای نگهبان و تنظیم نشدن آئین نامه داخلی مجلس، مدتی کار رسمی خود را شروع نخواهد کرد و امر قانونگذاری موقوف به آینده شده است.

هر چند که برای تسریع کردن انتخاب شورای نگهبان فعالیت های شدیدی صورت میگیرد ولی بگفته حجت السلام رفسنجانی که در آخرین جلسه مجلس در روز ۲ شنبه ۲۶ خرداد ماه، اظهار داشت، متن قانون اساسی در مورد انتخاب شورای نگهبان ایجاد مشکل کرده است و صلاحیت افرادی که باید مجتهد عادل و فقیه را تشخیص بدهد بخوبی روشن نیست.

از طرف دیگر گفته میشود که پس از انتخاب آیت الله منتظری از طرف امام خمینی رهبران انقلاب و تعیین شورای گزینش قضات کشور از طرف ایشان، بعضی قضات اعتراضاتی داشته و خواهانند که از آنها هم برای تعیین مجتهد عادل مصاحبه ای صورت بگیرد. با این دلیل تا انتخاب شورای نگهبان که ممکن است بمدت

۱۵ روز بطول بیا نجا مد مجلس شورای ملی جلسه علنی نخواهد داشت.

اما در طول این روزها کمیسیون تحقیق و شعب دهگانه برای بررسی اعتبار نامه های نمایندگان بکار خود ادامه خواهد داد و همچنین آقای محمد شبستری ممبر کمیسیون تعیین آئین نامه برای تسریع در کار مجلس پیشنها دکرده است که پس از انتخاب شورای نگهبان مجلس رسما کار خود را شروع نماید و مسئله تعیین و تصویب آئین نامه به بعد از رسمی شدن مجلس موکول گردد.

در مرحله حساس کنونی که وجود حاکمیت قانون و دولت از هر زمان دیگری بیشتر احساس میشود و مشکلات مردم بویژه

زحمتکشان میهن که ستون فقرات انقلاب هستند، روز بروز افزایش بیشتری مییابد و توطئه های شوم و ابرت قدرت آمریکا و روسیه و عمال آنها در داخل کشور و افزایش مییابد و تبدیل به خطری جدی بر علیه استقلال ایران و دستاوردهای انقلاب شده است. مسئله رسمی شدن کار مجلس و اجرای امر قانونگذاری باید در اولویت کارها قرار بگیرد و هر چه زودتر باید موانعی که در جلوی این امر مهم قرار گرفته اند از بین بروند.

بقیه از صفحه ۱  
کارگران چه انتظاراتی...

۱- ایجاد سندیکاهای خود، تشکیلات مستقل کارگری خود منع میکنند، وجود دمکراسی و معنویت در کارخانه مطمئنا کمک میکند تا تولید بالا رود. جرم مسئولین اموریان مساله را نادیده گرفته اند و عملا باعث ایجاد یاس و بدبینی در میان کارگران شده اند؟

۲- کار سیاسی یعنی چه و چگونه باید در وضع کنونی کارخانه های ایران به کار سیاسی در میان کارگران پرداخت؟ مضمون و شکل کار چگونه باید باشد؟ و در این رابطه مناسبات اتحاد بزرگ ملی و کار جبهه واحدی را با مبارزه اقتصادی و معیشتی جاری کارگران چگونه باید بخوبی

۳- چهها اداره کردن خانه و شوهر و کار کردن، توهینی که از طرف سرپرستان به آنها میشود و درخواست های نامشروع؟

۱۰- کودکان شاغل راکتک میزنند، بیش از اندازه فحش میدهند. این جوانان بجای درس خواندن باید جان بکنند. در این مورد چکار باید کرد؟

۱۱- تورم غوغا میکند - توضیح دهید تاثیر این تورم بر روی کارگران چیرا بیشتر است - کارگران برای مقابله با این آفت چکار باید بکنند؟

۱۲- شیوه های مختلف استعمار و ستم رایج بیک بشکافید و کارگران را آگاهی بخشید. در نخواست پرداخت هزاران کلک موجود است باید به کارگران راه و چاه را نشان دهید تا کارفرماها کلاه سرشان

## اتحادیه کمونیستهای خطر کودتای روسی

اتحادیه کمونیستهای ایران، در "حقیقت" ۷۴ از خطر کودتای روسی توسط حزب توده گفتگو کرده و کمونیستهای ایران را در این مورد بهوشیاری فرامیخواند. "حقیقت" می نویسد:

" طی دهه گذشته خلقهای جهان شاهد بوده اند که چگونه سوسیال امپریالیستهای شوروی و نوکران محلی اش پایبندی امپریالیستهای غربی و مزدوران داخلی شان علیه خلقهای توطئه گری مشغول بوده اند و تلاش کرده اند که از طریق برآهاندن کودتای، حکومتهای وابسته به خود را در پاره ای از کشورهای جهان مستقر سازند.

"حقیقت" ضمن تحلیل مقاله معروف "مردم ۱۷۵" که سازمان چریکهای فدائی رابه کودتا فرا خوانده است، می گوید: "حزب خائن توده حزبی است توطئه گر و کودتا جی، و در شرایط کنونی این درودسته مزدور و وابسته به شوروی همانند مزدوران و وابستگان به امپریالیستهای غربی در کار تدارک کودتایند و این تدارک را عمدتا در دو زمینه صورت می دهند:

۱- حزب توده بر بستر مبارزه ضد امپریالیسم، ریاکارانه رهبری امام و خطش را گردن نهاده است تا از این طریق بتواند کار نفوذ یابی اش در ارگانهای دولتی و از آن جمله ارتش سهولت انجام گیرد.

۲- از آنجا که حزب توده گذشته ننگینی را با خود حمل مینماید به تنهایی و با آن گذشته قادر نخواهد بود که قدرت سیاسی را از راه "ضرب قاطع نظامی" به جنگ آورد، لذا تلاش می نماید که از طریق رخنه دادن ایدئولوژی و سیاست های خود در سازمانهایی که اعتباری در گذشته دارند (فدائیان - مجاهدین) قطب مورد نیاز هوادار شوروی را در ایران بوجود آورد. که متأسفانه طی یک سال گذشته در این زمینه موفقیتهایی نیز نصیب شده است.

## اخبار نیروهای سیاسی

### « پیکار »

## و حزب توده

پیکار در شماره ۵۷ نشریه خود به پاسخگویی نسبت به حملات حزب توده پرداخته است. "پیکار" ضمن اشاره به "اربابان سوسیال امپریالیسم" حزب توده از گذشته ننگین و شاهدوستی های حزب توده سخن گفته، و در حالیکه خود همچنان برخورد چپروانه به مساله کردستان را ادامه میدهد، رابطه حزب توده و رژیم عراق را افشاء میکند.

پیکار مینویسد: "مگر تا چندی پیش بین سوسیال امپریالیسم شوروی و عراق مناسبات بسیار گرم و دوستانه ای برقرار نبود؟ مگر حزب روزیونیست عراق (برادر حزب توده) در پلنوم ۱۹۷۹ خود مطرح ساخت که رژیم صدام حسین بر اساس راه رشد غیر سرمایه داری به راه سوسیالیسم پیش میروند و شخص صدام حسین مرتجع، قابلیت پذیرش "سوسیالیسم علمی" را دارد! حزب توده امروز وانمود میکند که مخالف رژیم عراق است ولی بازم دچار یکسری "فراموشکاری" میگردد و آن اینکه همین رژیم فاشیستی عراق توسط اربابان روسی حزب توده در ارتش عراق با اسلحه های سبک و سنگین شوروی تجهیز میگردد. شوروی در بندر بصره دارای یک پایگاه نظامی دریایی میباشد و چندی پیش یک هیئت دولتی از شوروی به دیدار رژیم فاشیستی صدام حسین رفت.

- ۲۲- مساله مسکن
- ۲۳- مساله بازنشستگی
- ۲۴- مساله بیمه بیکاری
- ۲۵- مساله ارتکار افتادگی
- ۲۶- مساله غذاخوری
- ۲۷- مساله تعطیلات و ساعات کار کارگران گفتند که بدوستان

بقیه از صفحه ۱  
"سیاست خارجی اصولی..."

برنامه آمریکا و روسیه را بدین ترتیب عملی سازیم. اخیرا این سیاست در ارتباط با کشورهای اسلامی و تشکیل کمته به به سادگی به مسئله اشغال

در روزی در پیوسته در میان مسند است ساری است به سر و بیسی پاسی بر در زدنکی مبارزه کردند. پدران از صبح تا شب در آفتاب داغ تابستان و هوای سرد زمستان کار کردند تا اینکه فرزندان خودشان را به جانی برسانند. ولی پدر این شهیدمان، او کوششهای بسیاری برای فرزند خودش کرد تا اینکه فرزند دلیر خودش را در خدمت بخلق تربیت نماید. آرزوی او برآورده شد ولی حیف که از دستش رفت. مانند شمع که بیکار آتش گرفت و سوخت او دانش آموزان را به راه راست هدایت میکرد و میگفت که شما دانش آموزان چرا باید در کلاسهای قدیمی که در حال خراب شدن است بنشینید و درس بخوانید. ولی بعضی ها بجای مدرسه عمومی چند تامل پیوسته داشته باشند چرا یکمده بخورند و یک عده نخورند. او حرف معلم شهید صمد بهرنگی را میگفت که اگر داریم همه باید بخورند و اگر نداریم همه باید گرسنه بمانند. نه اینکه یک نفر در خیابان بخوابد و یک نفر در ساختمانهای چند طبقه، چرا باید اینطور باشد؟ او به بچه ها پی آموخت که به پدر و مادرشان احترام بگذارند و قدر آنان را بدانند و به کسی آزار نرسانند. همیشه با مردم مهربان باشند. هرگز سعی نکنند که با کسی دعوا کنند. میگفت که لباسهای تمیز بپوشید و به بزرگترها احترام بگذارید. او به بچه ها نصیحت میکرد که درس بخوانند و وقتشان را به هدر ندهند. او در زمستانها اجازه نمی داد که بچه ها موی سرشان را کوتاه کنند زیرا میگفت عده ای هستند که نمی توانند کلاه بخورند و سرما رنج خواهند برد. و میگفت باید برای این بچه ها فکری کرد. او بین هیچیک از بچه ها تبعیض نمی گذاشت. او به همه درس آزادگی و وحدت میداد و همچنان شمع بود که خود میسوخت تا دیگران از روشنائی او استفاده کنند. راه معلم عزیزمان را برای همیشه ادامه میدهم. ای کفن پوش عزیز بر شما باید سلام.

از روشنائی او استفاده کنند. راه معلم عزیزمان را برای همیشه ادامه میدهم. ای کفن پوش عزیز بر شما باید سلام.

محمد ابراهیم خرمی پیرکوهی.

حزب رنجبران ایران در مراسم هفتم رفیق نادر شرکت نمود و با بر سر مردن خصال عالی او در خدمت به خلق، اندوه از دست دادن او را به زحمتکشان و خانواده رنج کشیده اوتسلیم گفت.

## درگیری در شهر ممسنی

۲۵ خرداد - گروهی از مردم ممسنی به پشتیبانی از شورای شهر طی یک راهپیمائی خواستار اخراج نماینده دادگاه انقلاب و پاسداران غیر بومی شدند. بر اثر درگیری این گروه با افراد سپاه پاسداران، از سوی سپاه برای متفرق نمودن مردم گاز اشک آور پرتاب شد و پس از این مردم شروع به پرتاب سنگ نمودند. افرادی بعنوان "محرک" این واقعه توسط سپاه پاسداران دستگیر شدند. این واقعه به دنبال مشاجره لفظی بین نماینده دادگاه انقلاب اسلامی مستقر در سپاه پاسداران و یکی از اعضای شورای شهر ممسنی و تحصن اعضای شورای شهر روی داده است.

## اعتراض دانش آموزان به امتحان نهائی

شیراز (۵شنبه ۲۲ خرداد) حدود یک هزار تن از دانش آموزان سال چهارم نظری بخاطر اعتراض به مشکل بودن امتحان فیزیک در جلوی اداره آموزش و پرورش دست به تظاهرات زدند. در این میان رئیس اداره آموزش و پرورش که ابوالاحرار نام دارد و بخاطر داشتن روحیه انحصار طلبی تاکنون فرهنگیان درگیریهایی زیادی با وی داشته اند و عموماً از اناراضی هستند باین توجهی به دانش آموزان داخل اداره میشود و در راهی بندد. دانش آموزان با پرتاب سنگ شیشه های اداره را شکسته و بعد از شکستن در وارد اداره میشوند که این عمل منجر به درگیری دانش آموزان با بعضی از کارکنان آموزش و پرورش میشود. در این موقع آقای ابوالاحرار بداخل اتاق خود رفته و در راه قفل می کند که دانش آموزان بعد از مدتی درگیری ساعت ۱۲ ظهر بداخلت ماء مورین پلیس اداره آموزش و پرورش را ترک می کنند

حل نمود؟

۱۳- چگونه باید به سازماندهی در میان کارگران در کارخانه پرداخت، تبلیغات را چگونه باید به پیش برد، سازماندهی را از کجا باید آغاز کرد؟ هنگامیکه هرکس را که بفهمند کمونیست است از کارخانه بیرون میکنند چگونه باید کارکرد کارخانهها آراجمان نکنند. آیا باید مثل دوره طاغوت مجدداً کار را پیش برد؟

۱۴- بالاخره شورا درست است یا سندیکا؟ تجارب این مدت چیست؟ بعلت بدورماندن شوراها بنظر میرسد کارگران تمایل به تشکل را دارند از دست میدهند. وظیفه مادرچنین وضعی چیست؟ آیا نباید علیه شوراها مبارزه را آغاز کرد. شوراها را خوب آزمونند و رد و راهها که اکثریت اندانتقاد نمود؟

۱۵- چرا کارگران رادائماً اخراج میکنند؟ مساله اخراج اساساً چیست؟ چگونه میتوان علیه آن مبارزه کرد؟

۱۶- مساله بیگاری چیست؟ مناسبات جنبش بیگاران و باکاران را باید چگونه حل نمود؟

۱۷- مشکلات زنان را چگونه باید حل نمود؟ مشکلات خانوادگی

نگذارند.

۱۳- مساله سود را توضیح دهید.

۱۴- مساله دستمزد، سطح دستمزد را توضیح دهید و چگونگی بالا بردن آن را بنویسید.

۱۵- قیمتها را چگونه معین میکنند و اساساً قیمت چیست و بالا بردن قیمتها برفع کی تمام میشود؟

۱۶- بحران اقتصادی یعنی چه و تاثیر آن روی ماکارگران چیست؟

۱۷- بالاخره ما باید تولید را بالا ببریم و کار بیشتر کنیم یا نه و چرا؟

۱۸- سودویزه را چرا درست کردند بسود کارگراست یا بسود کارخانه دار؟

۱۹- شرکت کارگران در سهام کارخانجات درست است یا نه؟

۲۰- مساله بهداشت و ایمنی کارخانه های ایران چگونه است، آنرا مقایسه کنید با حسابهای دیگر؟

۲۱- ما چگونه باید به کارگران خارجی برخورد کنیم؟ بعلت بیگاری بین ما و آنها رقابت هست کارفرما از آنها برای بائین نگهداشتن مزد استفاده میکند. برخورد ما چگونه باید باشد؟

## بقیه از صفحه ۱

"هشدار پیرامون ..."

آخرین مصاحبه مطبوعاتی خود نیز بصراحت اعلام داشت "از طریق انقلاب فرهنگی بنی صدر را فلج کند".

در مورد سخنان دکتر آیت و جوانب مختلف آن میتوان صفحه های زیادی را سپاه کرد. اما مضمون سیاسی این سخنان برای ماهیچ چیز تازه ای را در بر ندارد چرهمان پدیده ناسالم و مخرب قدیمی انحصار طلبی که ما را با بارها و ماهها و ماهها است که به افشای آن و مبارزه قاطع علیه آن مشغولیم. دکتر آیت، یکی از انحصار طلبان است انحصار طلبان سرخستی گه اثرات مخرب فعالیت های آنان تنها در مناسبات میان جناحهای حاکم و در رفتار بار رئیس جمهور دیده نمیشود و اتفاقاً بدترین اثرات آن در رفتار با کل مسئله دموکراسی و عدالت اجتماعی و در مناسبات با زحمتکشان جامعه ما بطرز بسیار فاجعه آمیزی مشهود است. براساسی مسئول اینهمه ستم و اجحاف علیه زحمتکشان در کارخانهها، مسئول جو مسموم ارباب و تهدید علیه زحمتکشان، مسئول جفا قوی و جفا قوی سیاسی بر حسب ضدانقلابی و "امریکایی که بر سر

رنجبر کوچکترین توضیح بدهند، مثال بیاورند، از گذشته بگویند، بیشتر تجربه کارگران دیگر را بیاورند البته معلومات بدهند تا برای ما معلوم شود قضیه چیست.

مسائلی را که کارگران مطرح کرده اند عیناً منعکس کردیم. رنجبر" کوشیده است تا در حد توان امکانات خود به این نیازمندیها پاسخ بدهد. کارگران و زحمتکشان پاسخ گویند. طبیعی است که ما بدون نقش فعال کارگران قادر نخواهیم بود به این وظیفه مبرم و اساسی بنحو احسن و کامل پاسخ گوئیم. برای اینکار، شما کارگران خواننده رنجبر" باید به عنوان وظیفه و در رابطه با سئوالات بالا بطور مشخص و با دقت مطلب تهیه کنید و برای ما بفرستید یا بدفتر رنجبر" بیائید تا با هم به مسورت بنشینیم و از صحبت ها پاسخ به سئوالات بالا را بطور مشخص برای خوانندگان رنجبر" تهیه نمائیم. مادست شمار برای همکاری میفشاریم.

و عناصر جاه طلبی را که می خواهند دعوای جناحها را در بدبان صعود خود سازند اصلاح و در صورت اصلاح ناپذیری طرد نمود. نباید معایب یک حزب را حمل بر توطئه گری نمود. نباید توطئه یک فرد یا جناح حزبی را به تمام آن حزب نسبت و بسط داد و نباید معایب یک حزب را حمل بر توطئه گری نمود و در یک کلام باید امر بدرایه امیر خوب تبدیل کرد، یعنی توطئه تفرقه افکنی یک فرد یا جناح را به تحکیم وحدت نه شرقی نه غربی کلیه خلق و کلیه جناحها تبدیل نمود. در عین حال باید هوشیار بود که این دعوای جناحها، تاثیر منفی بر روی توده ها گذارد، آنها را تا حدودی نسبت به جمهوری اسلامی بدگمان و ناراضی میکند. و این ناراضی ها میتواند توسط اعمال ابرقدرتها در مجرای منافع اربابانسان هدایت شود، پیشروان پرولتاریا موظفند به توده ها در پیگیری جهت اصلی انقلاب کمک کرده، نگذارند حرکت اساسی آنها را از مسیر درست منحرف شده و مجرای دعوای گروهی بیگانه با منافع اساسی آنها گشایند شود. هوشیار باشیم، پرچم وحدت و اتحاد بزرگ ملی را بر افراشته نگاه داریم و در مسیر اصلی انقلاب، علیه دو ابر قدرت، همچنان به پیش تا زیم.

سیه وزیر رسیده است که مساله افغانستان مطرح شده است. وزیر امور خارجه در پاسخ به مصاحبه کننده که اصرار داشت مسئله تهاجم فاشیستی روسیه به افغانستان را با طرح این ادعا که "دولت پاکستان عامل آمریکا است" بیوشاند، بدرستی توضیح داد که علیرغم درجه ای از وابستگی به غرب و وجود مسائلی در پاکستان این کشور همسایه ما نمیخواهد عامل امپریالیسم در منطقه باشد و مایل به دوستی و همکاری با جمهوری اسلامی بوده و این امر را بارها در عمل و در حمایت از ما به اثبات رسانده است. آقای قطب زاده توضیح داد که چگونه منشاء اینگونه نظرات انقلابی نمایانه که در عده ای از افراد غیر وابسته نیز رسوخ دارد در درجه اول ستون پنجم روسیه یعنی دارودسته رهبری حزب توده است.

آقای قطب زاده در پاسخ به خبرنگار رادیوئی که سنگ "دمکراسی" در پاکستان را به سینه میزد، از ایشان سوال کرد که چگونه است شما در مورد اوضاع داخلی روسیه و جنگلواکی که شدیدترین دیکتاتوری ها در آنجا حاکم است چیزی نمی گوئید.

قابل توجه است که در این گفتگوی رادیوئی، مصاحبه کننده در مقابل پاسخها و توضیحات روشنکارانه و مبتنی بر واقعیات وزیر امور خارجه به ایجاد اغتشاش پرداخت و عملاً بجای سوال کردن و پاسخ شنیدن، با قطع توضیحات آقای قطب زاده و بحث و جدل با او وارد دیف کردن یکسری نظرات و مطالب انقلابی نمایانه و دور از حقیقت بخصوص در باره پاکستان و با سعی در مسکوت و سرپوش گذاشتن بر اصل مسئله یعنی تهاجم فاشیستی روسیه، به ایجاد مظلله و خنثی نمودن پاسخها و توضیحات دست میزد که البته بعلت اصولی نبودن این نقطه نظرات و شیوه برخورد، موفقیتی در لوٹ نمودن، سیاست خارجی درست ایران نداشت.

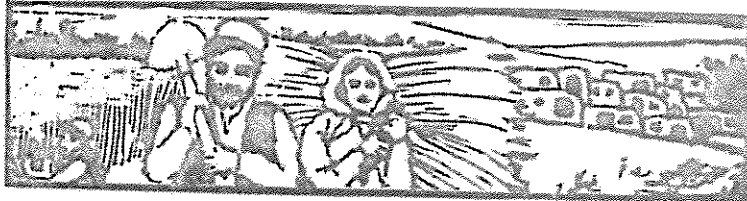
بجاست که مسئولین صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران از انجام این گفتگوها و مصاحبهها، هدفی جز روشنگری و توضیح حقایق برای مردم نداشته باشند.





شهریار (کرج)

# جنب و جوش دهقانان، اخلاص متنفذین و بی توجهی دولت



روستای کیچی (اصفهان)

## بخاطر وضع بد کشاورزی و نبودن امکانات روستا از سکنه خالی شد

تعدادی دانش آموز و چند جلد کتاب هستیم، والا امکانات لازم برای آموزش از قبیل آزمایشگاه و کارگاه و غیره در اختیار ما نیست. حتی گچ نوشتنی به سختی گیر میاید. وضعیت بهداشت خیلی خراب است. کار همه مسائل مهمتر است.

از ایشان پرسیدیم انتخابات به چه نحوی بوده و شخص معینی را اهالی ده نظر داشتند؟ گفتند: "انتخابات اینجامل شهرستانها نیست که تبلیغات نفوذ خودش را نشان بدهد. بعنوان مثال مادر اینجا در مرحله دوم یک کاندیدا از اردستان به نام فاضل داشتیم و یکی از هرند بنام طباطبایی. و با وجودیکه کاندید هرند برای تبلیغات به اینجا آمده بودند به اندازه کاندیداهای اردستانی رای نیاورد."

بعد از کمی صحبت تعارف کردند و ما را به منزل بردند. در آنجا آقای مظاهری که یکی از دبیران سابقه دار و نماینده مردم ده است را ملاقات کردیم وقتی معرفی شدیم فهمیدند که خبرنگار هستیم، درد دل ایشان باز شد و از وضع جاده سازی این روستا و نفوذ بعضی از اشخاص در برنامه ریزی مملکت و... صحبت کردند. . . . .

هنگام ترک روستا و در بین راه در این فکر بودیم که چطور مسئولین امر که این همه دروغها و سخنرانیهای خود دم از "مستضعفین" میزنند، در عمل اقدامی در جهت خدمت به "مستضعفین" و تامین نیازمندی های آنها و برطرف کردن کمبودها انجام نمیدهند؟ روستای "کیچی" یک نمونه از هزاران روستای کشور است که به فراموشی سپرده شده است و

هنگام ورود به روستا، بنظر میرسید که خالی از سکنه باشد، ولسی جسمان به جند جوان افتاد که مشغول تعمیر یکی از مساجد کهنه آن ده بودند. جلورفتیم و مشغول صحبت شدیم، از یکی از آنها که بنظر میرسید سواد دارد، سؤال کردیم که این روستا دارای چند نفر است؟ گفت: "اینجا تا چند سال پیش حدود ۲۰۰۰ نفر جمعیت داشت ولی سیل مهاجرت آنقدر زیاد بود، که این رقم به ۴۰۰ نفر رسیده".

سؤال کردیم علت مهاجرت آنها چی بوده؟ در جواب گفتند: "بیشتر بد بودن وضع کشاورزی. چراکه این منطقه در ناحیه کویری قرار دارد و نمیتوان بخوبی کشاورزی کرده و اضافه کردنده که: "مردم بادنای خارج روستا آشنا شده از اینجا گریخته اند و هر کدام به شهری رفته و بد حرفهای مشغول شده اند."

سؤال کردیم اینجا چه محصولاتی کشت میشود؟ گفتند: "گندم، جو سایر محصولات که بتوان کشت کرد". پرسیدیم رفراوند میا و انتخابات اینجا چه وضعی داشت؟ گفتند: "در مناطقی مثل روستاها که محیطش بسته و بسیار کوچک است مثل شهرستانها آن جنجال را بر نمیانگیزد که مانند مورومل به جان هم بیفتند. بی جهت اینجا مشکلی از جهت رای گیری نبود. از ایشان تشکر کردیم و بطرف مرکز دهه افتادیم، در بین راه نگاهمان به حمای بسیار قدیمی افتاد. در همین حین متصدی حمام پیشی ما آمد. از ایشان پرسیدیم: میتوانید کمی راجع به این حمام برای بیان بگوئید؟ گفتند: "این حمام تنها حمام این ده است که بطور

کشاورزی و کوشش طاقت فرسای آنها در این زمین. دوم عدم توجه دولت و در نتیجه امکان تخریب از طرف متنفذین شیر محلی برای بیگیری از احساسات دهقانانی که میخواهند بارنج و زحمت سنگرهای مبارزه را علیه آمریکا و شوروی تحکیم نمایند.

بنابراین برای اینکه در سال آینده سمت حرکت دهقانان بخصوص دهقانان بی زمین و کم زمین روشن گردد باید هر چه زودتر اصلاحات ارضی بمفهوم واقعی و عملی آن را انجام داد و مسئله وام آب و بیمه بهداشت و کمکهای فنی و... مورد نیاز و امکانات زندگی این طبقات را فراهم نمود و کلیه قوانین طاغوت را در هم بیچید و قوانینی متناسب با شرایط انقلابی جامعه امروز تهیه نمود و نظام بوروکراسی و ادارات دولتی را با هدف های انقلاب و منافع زحمتکشان دگرگون کرد... تا سال آینده شکوفایی صدچندان شده و صد ها هکتار گندمزار و میوه و ناک و... به هزاران هکتار تبدیل گردد. آن وقت است که قادر خواهیم شد با قدرت هر چه بیشتری در مقابل محاصره اقتصادی دشمن و خطرات جدی دشمنان انقلاب ایستادگی کنیم و یوزه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی را به خاک بمالیم.

ما را اشغال کرده اند می جنگند و من در اینجا کار میکنم و پس انداز خود را برای آنهایی فرستم.

تهران و کرگان در این اواخر دست به مبارزه زدند و توانستند کم و بیش خودی نشان بدهند. کارگران کوره پز خانه ها هم همان که سابقه مبارزه

ولی علیرغم تمام این تبلیغات، زحمتکشان و دهقانان خرددها، گاشتنند و گاشتنند... و این حرکت مترقی مردم زحمتکش، متنفذین را به وحشت میانداخت.

در طول این یکسال، دو مشکل اساسی در مقابل دهقانان بخصوص دهقانان بی زمین و کم زمین وجود داشته است: یکی - عدم پشتیبانی قاطع دولت از این دهقانان و پرو بال گرفتن زمینداران بزرگ و بخصوص برگشت آنها با قدرت بیشتر به روی زمینهایشان، که بزرگترین نمونه آن کپهد نام از متنفذین محلی است که با همان قدرت سابق به کار خود ادامه میدهد. دوم - عدم پشتیبانی و ایجاد امکانات لازم برای دهقانان است تا بتوانند در این اوضاع انقلابی عالیترین کاروکوشش را به پیش ببرند. این دودسته عوامل در واقع یک واحد را تشکیل میدهند و آن هم ادارات و کاغذبازی در آنها است و کماکان دست نخورده باقی مانده و با متنفذین محلی حفت هستند و اوضاع را به نفع آنها به پیش میبرند و با دادن برخی امتیاز های ناچیز به برخی از دهقانان صدا هار ا خفه میکنند تا از این طریق اقتضاحات و کتافات خود را بپوشانند.

در نتیجه دو مسئله را باید در این منطقه مورد توجه قرارداد: یکی - وجود شور و شوق در بین مردم برای سازندگی و افزایش تولیدات

ما را اشغال کرده اند می جنگند و من در اینجا کار میکنم و پس انداز خود را برای آنهایی فرستم.

است. چه در زمینه تولید میوه، تاک صیفی، و مخصوص گندمکاری و دیگر محصولات مادر.

وسعت کشت تاحدی است که در برای سبزی را در منطقه بوجود آورده است. در سایه کوشش شبانه روزی دهقانان و مبارزه برای کشت زمینهای بایر متعلق به زمینداران بزرگی چون کپهدها، غفاریها، بودریها، نصیریها، خواجه نوریها، عالیخانها... آنها توانستند به مقدار کافی گندم و دیگر محصولات مورد نیاز را برای منطقه فراهم آورند. از جمله روستاهایی که شاهد این حرکت افتخار آفرین دهقانان بوده است میتوان از روستاهای ملارد، قصبه قستانک، بیارک، قجر آباد، بگه، بیدگنه، خاوه، سعیدآباد، مهر آذین، مهرچین، حصار، و... نام برد.

طی این مدت که این فعالیتها در منطقه انجام گرفته است، متنفذین و مفسدین شیر محلی (که معلوم نیست چرنا بود شده اند؟) دائما تبلیغ میکردند که: "اینها (منظور زحمتکشان است) نمیتوانند کار را به پیش ببرند! مگر هر کس میتواند کشاورزی بکند؟! اینکار احتیاج به آب و پول دارد... و خلاصه آخرین حربه آنها این بود که "کار کردن روی زمین عصبی (!) گناه است"! والی آخر...

یادی او از دادن یخ به کارگران امتناع می کنند. کارفرما هنوز برای کارگران قالب دار، نرخ کار تعیین نکرده است. با این زحمتکشان صحبت کردیم، آنها میگویند: "برای هر هزار قالب (باد، نظر که فته، سطح

در طول سال کشاورزی جاری همزمان با محاصره اقتصادی کشور از طرف امپریالیسم آمریکا و خطرات جدی که انقلاب ما از طرف امپریالیستها بخصوص دوا بر قدرت آمریکا و شوروی با آن روبروست، جنب و جوش وسیعی در بین دهقانان کشور برای بالا بردن سطح تولیدات غذایی و تامین خودکفایی و بی نیازی کشور از خارج بوجود آمده است. توده های میلیونی دهقانی علیرغم تعذبات و ظلم و ستم فئودالیها و زمینداران بزرگ، کار تولید را بدست گرفته اند. و چون کوهی در مقابل هرتجا و زحارجی ایستاده اند. در این میان دهقانان با اخلاص بوروکراسی و ادارات دولتی و بی توجهی دولت مواج هستند. با این همه این امر از شور و شوق آنها ذره ای نکاسته است.

گزارش زیر نمونه ایست از منطقه "شهریار" در کرج در چند فرسخی تهران و نشان دهنده این شور و شوق افتخار آفرین دهقانان زحمتکش و میهن پرست کشور ما است.

از بعد از انقلاب در "شهریار" در زمینه های مختلف تولیدات کشاورزی و بخصوص کشت گندم شکوفایی فوق العاده ای بوجود آمده است. دهقانان این منطقه بیشترین زمین را در طول ۲ سال اخیر به زیر کشت برده اند. این فعالیت در زمینه های مختلف انجام گرفته

گزارشی مختصر از کوره پز خانه های کرمان

برای تغییر شرایط کار و زندگی وحدت و تشکل لازم است

# یکپارچه و متحد در مقابل زورگویان

بسیار زحمتکشان کوره پزخانه "طباطبائی" یکی از سرمایه داران استان کرمان رفتم و ویای درد دل آنها را نشنیدیم. این شخص دارای چندین کوره پزخانه در کرمان، زرد و سیرجان میباشود و در گذشته در این کوره ها

یادی او از دادن یخ به کارگران امتناع می کنند. کارفرما هنوز برای کارگران قالب دار، نرخ کار تعیین نکرده است. با این زحمتکشان صحبت کردیم، آنها میگویند: "برای هر هزار قالب (باد، نظر که فته، سطح

میباشد و در گذشته در این کوره‌ها نزدیک به ۲ هزار کارگر کار میکردند ولی بعد از انقلاب سطح تولید را بنحوی جسمگیری کاهش داده و امروز در کوره پزخانه‌های وی در کرمان فقط ۴۵۰ نفر بکار مشغولند.

درگرهای خشک‌و کوبیری تابستان کرمان، عده‌های زن و مرد و کودکان و در تلاشند تا قوتی برای زمستان خود ذخیره کنند. عموماً "سبه چسوده و اغلب پاپره‌ها را داغ ستم بی حد در چهره آینه بوضوح دیده میشود. مادری بچه شیرخوار خود را زیر سایبانی که با چادرش درست کرده در میان گردو خاک خوابانیده و خود قالب‌های آجر را جابجا میکند. پسر بچه ها و دختر بچه‌های بالاتر از هفت سال همه نیروی خود را بکار میبرند تا درآمدی برای خانواده پر جمعیت خود بدست آورند.

"طباطبائی" با وجود آنکه دارای کارخانه‌یخساز است، اما

هر هزار قالب (بدر نظر گرفتن سطح زندگی) باید ۱۰۰ تا ۱۲۰ تومان بپردازند. ولی ایادی صاحبکار میگویند که اگر برای هر هزار قالب خست، هفتاد تومان هم پرداخت شود زیاد است!!

کارگران این کوره‌ها از نظر مسکن، بهداشت و نبودن وسائل رفاهی بسیار رنج می‌کنند. هر خانوار زحمتکش در یک اتاق خشتی که بی‌شابهت به سوله‌های انفرادی نیست، زندگی می‌کنند و بدینسان ده‌ها خانوار کارگر در حالیکه با رنج و زحمت خود سوله‌های کلان به جیب مالک این کوره‌ها سرزیر میکنند، خود در سخت‌ترین شرایط بسر میبرند. در همین کوره‌ها کارفرما از وجود کارگران زحمتکش افغانی سود زیادی میبرد و مزد کمی به آنان پرداخت میکند. با چند تن از کارگران افغانی صحبت کردیم، یکی از آنان گفت: "برادرم در افغانستان بر علیه روسها که کشور

دولت ساهاان اثر گنج دوست راحت‌اعیان ثمر رنج نکت گرنودوروزی ندهی تن بکار یگسره نابود شود روزگار

سختی شرایط کار و دستمزد کم و نبودن حداقل امکانات رفاهی بیه خصوص در بین کارگران کوره‌پزخانه‌ها فراوان است. آنها جیب‌های آرساب را بر می‌کنند ولی خود در فقر و ناداری غوطه‌ور هستند و ستم‌آربابان جان آنها را بلب رسانده‌است. در بسیاری از نقاط ایران کارگران کوره‌ها در فقر و ناداری گرفتارند که برای بدست آوردن حقوق یا مال شده خود و جلوگیری از اجحاف بی پایان کارفرمایان، نمیتوان منتظر کسی شده و باید خود دست بکار شوند. باید همدلی کنند و یکی شوند و از قدیم هم گفته‌اند که "یکدستی صدا ندارد". بنابراین اولین شرط مبارزه موفقیت آمیز، یکی شدن یا بهتر

خانه‌های تهران که سابقه مبارزاتی زیادی در سالیهای گذشته دارند، معنی وحدت و یگانگی را خوب می‌دانند، بنا بر این کارگران مناطق دیگر نیز باید از آنان بیاموزند و برای خود تشکیلات کارگری دست و پا کنند. فی‌المثل کارگران کوره‌های کرمان که گزارش وضع کار و زندگی آنان را در بالا خواندیم، باید مشکل شوند، یعنی برای خود سندیکای کارگری بسازند، و نمایندگان دلسوز، مبارز و آگاه انتخاب کنند و مبارزه خود را به سبکی دسته جمعی به پیش ببرند. امیدواریم که کارگران کوره‌های کرمان و دیگر جاهای ایران که این مطالب "رنجبر" را می‌خوانند، دست بکار شوند و برای بدست آوردن حق و حقوق خود و جلوگیری از زورگوییهای کارفرمایان و تغییر شرایط کار و زندگی، مشکل و بکار چاره‌ی علم کنند.

حسام سبهاصم این دست سببور دونوبت زن و مرد به آنجا میروند. و عمران به ۳۰۰ سال میرسد. اوایل سوخت آن باهیزم و مواد سوختی دیگر بوده، ولی چند سال است که با نفت کار میکنند. از بهداشت آن سؤال کردیم گفت: "این حمام دوش ندارد و همه در خزینه خود را شستشو میدهند بنابراین میبینید که بهداشت در اینجا وجود ندارد." از او خدا حافظی کردیم و به راه خود ادامه دادیم، تا اینکه به مرکز ده رسیدیم. در آنجا مسجدی بود به نام جامع و چند جویبار هم وجود داشت که از قناتهای اطراف در چشمه می‌گرفت.

در همان حوالی چند نفر داشتند اتومبیلشان را تعمیر میکردند رفتیم جلو خودمان را معرفی کردیم. آنها گفتند که معلم و بچه همینجا هستند. سؤال کردیم در این ده چه نوع مشکلات آموزشی وجود دارد؟ در جواب گفتند: مشکلات بسیار فراوان است. اینجا از امکانات آموزشی خبری نیست. یکی از آنها گفت: من و سایر همکارانم فقط معلم

بعلت بی‌توجهی "مسئولین" و عدم رسیدگی به وضع آن، مردم گروه‌گروه روستا ترک کرده و به شهرها سرزیر میشوند. طبیعی است که اگر این وضع به همین نحو ادامه یابد میتوان انتظار داشت که در آینده روستاهای ماحالی از سکنه شود و اکثریت جمعیت کشور در شهرها جمع بشوند. در آن صورت این سؤال مطرح میشود که چه کسی غذای مردم را تهیه خواهد کرد؟ آیا در حالیکه اینهمه شور و شوق وجود دارد و روستائیان محروم و زحمتکش کشور به چیزهایی خیلی ابتدایی راضی میباشند چرا دولت فکری بحال آنها نمیکند و احتیاجات آنها را بر طرف نمیسازند؟ امکانات آموزشی، بهداشتی، راه کمک به بهبود وضع کشاورزی از جمله نیازمندیهای اولیه روستائیان کشور است و دولت باید هر چه زودتر و تأدیر نشده‌است این امکانات را برای روستائیان فراهم نماید. در آن صورت است که میتوان تاحدی جلوی سیل مهاجرت‌های بی رویه روستائیان را به شهرها گرفت.

## رنجبر روی زمین اتحاد

در پی دعوتی که از کارگران، دهقانان و دوستان و رفقای برای همکاری با "رنجبر" بعمل آوردیم، رفته‌رفته تعداد مقالات، گزارشات و نامه‌های زحمتکشان بیشتر بدست ما میرسد. امیدواریم با ادامه این همکاری، "رنجبر" موفق شود تا بیشتر در خدمت انعکاس مبارزات، مسائل و مشکلات زحمتکشان در بیاید.

یکی از نامه‌هایی که در هفته اخیر بدستمان رسید، حاوی شعری زیبا بنام "رنجبر روی زمین اتحاد" از دوست عزیز "محمد آرون" از زنجان است که ما ضمن چاپ قسمتی از شعرایشان امیدواریم تا با همکاری خود با رنجبر ادامه دهند.

رنجبر و قلابه  
به دست من است  
جهان، بر بازوانم

استوار است  
من چهره‌ام رنگارنگ است  
من به تمام زبانهای

چکمه‌گوب شده  
حرف می‌زنم  
در شیکاگو، ژوهانسبورگ، لندن  
در بمبئی و کلکته

در تهران، ریاض، فرانکفورت  
بغداد، مادرید، توکیو، آبادان  
به هر شهر دنیا که بیاشی  
آدرس مرا بنویس.

من رنجبرم!  
در معدنهای طلا و الماس و ذغال سنگ  
در مزارع گندم و نیشکر و ذرت و برنج  
در کارخانه‌های موجود سر تا سرگیتی  
در دکانهای کوچک تولیدی محله‌ها  
در مزارع قهوه و کاکائو و خشک‌خاش  
در تبت تندگار

خواهی ام یافت  
من رنجبرم!  
گنج جهان،  
حاصل کار من است

محمد آرون  
۱۳۵۸/۱۰/۲۳

## تظاهرات اعتراضی

۵۰۰۰ کارگر مهاجر در فرانسه

روز شنبه ۱۷ خرداد، حدود ۵۰۰۰ نفر که اکثر آنها را کارگران مهاجرت تشکیل میدادند درباریس دست به تظاهرات زدند و نسبت به محدودیت‌هایی که دولت فرانسه برای ورود کارگران مهاجر به فرانسه و اجازه اقامت و استخدام آنها اعمال میکند اعتراض کردند.

۳۰ اردیبهشت ماه هم بیش از ۵۰۰ کارگر مهاجر ترک در اعتراض به کنترل و تعقیب پلیس فرانسه دست به اعتصاب زده و خواستار بهبود شرایط کار روشن شدن وضع اقامت خود شده بودند که خبر آن در "رنجبر" ۵۶ چاپ شد.

حرکت اعتراضی کارگران مهاجر که در کشورهای امپریالیستی بکار مشغولند در مقابل تبعیض‌ها و محدودیت‌هایی که در مورد آنها صورت میگیرد هر روز بعد تازه‌ای میگیرد. کارگران مهاجر خواستار رفتار برابر با کارگران کشور میزبان در مورد خود میباشند.

## اخراجهای دسته جمعی

در آمریکا بالا میگیرد

موج اخراجهای دسته‌جمعی در آمریکا بالا میگیرد. در نیمه خرداد جاری تنها در کارخانه ماشین سازی "فورد" در شهر "میلیناس" کالیفرنیا حدود ۴۶۷ تن از کارگران از کار اخراج شده‌اند. این عده به ۱۰۰۰ نفری که دردی ماه گذشته از این کارخانه اخراج شده بودند پیوسته‌اند. هم اکنون بیش از ۲۵۰۰۰۰ نفر کارگر کارخانه‌های ماشین سازی در آمریکا بیکار هستند. اینجایزی از خیل عظیم بیکاران آمریکا هستند.

بیکاری، فقر، و تهیدستی و عوارض دیگری که به همراه دارد زندگی زحمتکشان را در آمریکا تهدید میکند. تشدید بیکاری و بالا رفتن موج اخراجهای جمعی در این کشور، خراب‌تر بحران عمیقی میدهد که نظام پوسیده سرمایه‌داری در این کشور امپریالیستی با آن روبروست. این بحران و بحرانیهای دیگر زمانی برای همیشه از بین خواهد رفت که نظام بهره‌کشی رخت بریند و زحمتکشان بر مقدرات خود حاکم گردند.

نامه يك کشاورز به رنجبر

# کمبود وسائل موتور پمپ وگرانی آن ما را به در دسر انداخته است

میک کشاورزان روستای مرزبال از توابع شهرستان بابل هشتم. خانواده ما با کشاورزی زندگی میگذرانند. مدتی است که ماهم مثل اکثر روستائیان با مشکل بی آبی روبرو هستیم و زمینهای ما در معرض خشکسالی قرار گرفته‌است و محصولاتمان در حال نابودی. توسط موتور پمپ، آب مورد احتیاج زمین را تأمین می نمودیم ولی موتور آب به‌دلائل فنی از کار افتاده است

برای تهیه لوازمی که به مراکز فروش مراجعه کردیم ولی به نتیجه‌ای نرسیدیم. به شهرهای دیگر استان مراجعه نمودیم و باز زحمت زیاد و مسائل مورد احتیاج را به دو برابر قیمت تهیه نمودیم. مثلاً یکی از بستگان من به خاطر کم آبی مجبور به خرید موتور آب شد ولی نه به قیمت قبل بلکه به دو برابر قیمت. ۲۴۰۰۰ موتوری را که با سال قیمت آن ۲۴۰۰۰

تومان بود امسال باید بیش از ۴۰۰۰ تومان بابت خرید آن بپردازیم. این مشکل تمام کشاورزان ده ما و تمام دهات که با کشت و کساورزی سروکار دارند میباشد.

امسال مشکل بی آبی یکی از بزرگترین درگیری‌ها برای ما می باشد. نمیدانیم چکار کنیم. قادر به حفر چاه عمیق نسیم چون نمی توانیم هزینه آن را تأمین نمائیم و از طرف دیگر کمبود وسائل پمپی مورد احتیاج و گرانی سرسام آور آن ما را به دردسر انداخته‌است. اگر اوضاع بدتر بشود منوال بگذرد مجبوریم زمین‌ها را رها نموده و خانه نشین شویم.

این مسائل از یک طرف باعث ازمایش شدن زندگی دهقانان و از طرف دیگر باعث ضربه زدن به تولید کشاورزی میشود که هر دو بنفع انقلاب و رها شدن از بند وابستگی نمیباشد.

# اریتره: جنگ رهائیبخش فراموش شده آفریقا

مجموعه عذر پرورد موردمبارزات خلق اریتره، توسط ستیوسن گریفیتس خبرنگار روزنامه "فورج" ارگان حزب کمونیست گارتال (مارکسیست - لنینیست) تهیه شده است. این خبرنگار در ماه فروردین از مناطق آزاد شده اریتره بازدید به عمل آورد و مشاهدات خویش را پس از بازگشت در روزنامه "فورج" انتشار داد که ترجمه آن از نظر خوانندگان رنجبر میگذرد.



و هر آنچه کم مورد احتیاج است تولید مینمایند، از وسایل خانه گرفته تا لوازم یدکی موتورها و لباس و پوشاک ماشین ها و ابزار کار در مرحله عقب نشینی استراتژیک "جبهه" از مناطق جنوبی که در سال گذشته صورت گرفت از شهرهای آن منطقه آورده شده است.

### استراتژی کرملین

کشور آزاد شده بود. آنها دخالت کردند و میلیاردها دلار اسلحه و کارشناس به اتیوپی سرازیر نمودند تا از بیروزی خلق جلوگیری نمایند.

پس از سرنگونی رژیم هیلا - سلاسی در سال ۱۹۷۴ که طرفدار آمریکا بود، کرملین سرعت از نظامیان حاکم اتیوپی یعنی (DERGUE) پشتیبانی نمود. مسکو همچنین در کودتای ۱۹۷۷ نقش بازی کرد که از طریق آن رئیس جمهور کمونی اتیوپی یعنی منگیستو را بقدرت رساند. همچنین هفده هزار نظامی کوبایی به همراه فرماندهان روسی برای تقویت ارتش اتیوپی روانه آنجا شدند.

رژیم منگیستو که مسکو وی را "انقلابی" و "سوسیالیست" میخواند یک سیستم ترور فاشیستی کامل را بر اتیوپی حاکم ساخته است. اسرای جنگی ارتش اتیوپی که در مناطق آزاد شده با آنان مصاحبه نمودم، تعریف میکردند که چگونه بزور اسلحه برای جنگ علیه رزمندگان اریتره بسیج و فرستاده شده اند.

در حالیکه رژیم منگیستو تمام منابع کشور را برای جنگ بکار گرفته است، مردم اتیوپی در حالت قحطی بسر میبرند. در این رابطه من اخبار زیادی درباره جنگ مسلحانه علیه (DERGUE) دریافت کردم. در این جنگ (TIGRAI) از طرف ملیت اورومو (OROMO) و در ناحیه اوگادن در اتیوپی شنیدم. اتیوپی با جمعیت زیاد و منابع سرشارش لقمه چربی برای روسیه محسوب میشود، همانطور که در گذشته نیز لقمه چربی برای آمریکاییها بود، اما مسئله اینجاست که بدون اریتره، اتیوپی به دریای سرخ دسترسی نخواهد داشت و از اهمیت استراتژیکی آن کاسته میشود. روسیه پایگاهی را که سابقاً آمریکا در نزدیکی (اسمارا) و (بندر مساوا) تحت اختیار داشت، تصاحب کرده است که از آنجا

بتوانند به کامیونها و رانندگان در طول راه سرویس بدهند. در شب دومین روز سفرمان ما وارد اریتره شدیم و از طریق صخره - های پرشیب و جاده های یکه اخیراً در کنار کوه بنا شده است بالا رفتیم. این جاده که به جاده "هرگز زانو نزن" (هرگز تسلیم نشو) معروف است، سال گذشته در مدت ۹ ماه کار بوسیله رزمندگان جبهه ساخته شد تا به پایگاه جدید "جبهه آزادیبخش مردم اریتره" مرتبط گردد. تمام سفرها در پایگاهها در طول شب صورت میگردد تا بامیگهای دشمن برخورد صورت نگیرد. بعلاوه باید اضافه کنم که این جاده تنها مسیر بیست که اتیوپیها میتوانند از طریق آن به مناطق آزاد شده راه یابند.

نیز دشواری زیادی ندارد. زیرا جوب از جعبه های جویی وسائل نظامی روسی بدست میآید و فلز از میگها و وسائل جنگی دشمن! زندگی روزانه یک جنگنده بسیار ساده است. محل خواب و استراحت روی زمین و در درخمه های زیر زمینی و یا در هوای آزاد و زیر نور ستارگان است. غذای آنان عمدتاً نان خالی از آرد (SORGHIM) است که فاقد پروتئین میباشد. در این مدت هیچ شکایتی از طرف رزمندگان بابت ساده و مختصر بودن غذایشان نشنیدم. رزمندگان بیش از هر چیز به تفنگهای خود علاقه دارند که همه جا آنرا با خود همراه میبرند، حتی در موق خوابیدن.

رزمندگان "جبهه" آزادیبخش مردم اریتره" که من با آنان ملاقات داشتم، ملو از شور شوق انقلابی و دارای آگاهی سیاسی در سطح بالایی بودند. آنان خود را وقف مبارزه برای آزادی کشورشان کرده اند. هر رزمنده (E P L F) چه سربازی که در جبهه میجنگد، چه مکانیک و یادکتر، همه و همه در مطالعه سیاسی روزانه شرکت میجویند "جبهه" برای کسانی که خواندن و نوشتن نمیدانند کلاسهای مخصوص مبارزه با بیسوادی دایر کرده است. در یک کلاس تربیت کادر که من در آن شرکت کردم، ۶۰۰ تن از مبارزین (E P L F) از سراسر اریتره شرکت داشتند تا مبانی مارکسیسم لنینیسم را طی یک دوره فشرده چهارماهه فرا گیرند. در این کلاس کادرها مرا غرق در سئوالات مختلفشان درباره چگونگی مبارزه طبقاتی در کانادا نمودند.

مبارزات مردم اریتره تا حدودی ناشناخته باقی مانده است و عده کمی هستند که بدانند در آن سوی خلیج فارس و شبه جزیره عربستان در شاخ آفریقا، ملت کوچک و قهرمان اریتره نیز همچون مجاهدین رزمنده افغانستان برای ادامه حیات خویش با قدرت نظامی مسکو دست بگریبان است. تاریخ مبارزات رهائیبخش مردم اریتره طولانی است. جنگجویان آزادیبخش اریتره از سال ۱۹۶۲ که اتیوپی با توسل به زور کشور آنان را بپاک خود ضمیمه کرد، در حال جنگ برای استقلال سرزمین خویش هستند.

سابقاً امپریالیسم آمریکا از جنگ تجاوز کارانه اتیوپی علیه اریتره پشتیبانی مینمود لیکن امروز این روسیه است که ارتش هشتماد هزار نفری اتیوپی را مسلح مینماید، آنرا تعلیم میدهد و فرماندهی میکند تا جنبش مقاومت اریتره را سرکوب نماید و این نقطه مهم استراتژیکی را در دریای سرخ تحت تسلط خود در آورد.

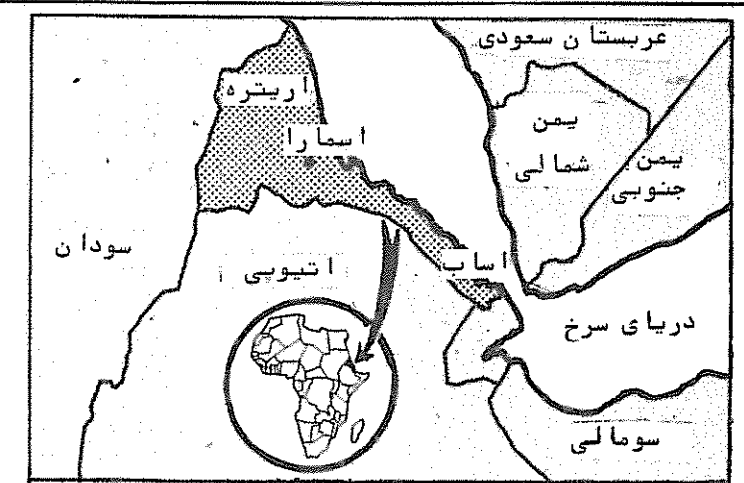
### پایگاه مرکزی

در حال حاضر هم روسیه و هم دستگاههای تبلیغاتی عرب درباره این حقیقت که امروزه منطق وسیعی از اریتره آزاد شده است و تماماً تحت کنترل "جبهه آزادیبخش مردم اریتره" (E P L F) میباشد، سکوت اختیار کرده اند. همچنین خبرنگاران معدودی هستند که از طریق دعوت "جبهه" آزادیبخش مردم اریتره" به مناطق آزاد شده راه یافته باشند و با دستاوردهای شگفت انگیز و ارتش خلق بسیار منضبط آن از نزدیک آشنا شده باشند.

من مناطق آزاد شده اریتره را بعنوان خبرنگار "فورج" در سراسر ۱۹۸۰ بازدید کردم. ما بندر سودان را بسمت جنوب در امتداد یک جاده کویری به سمت نور سودان و اریتره ترک کردیم لندرویی که از طرف "جبهه" (E P L F) مارا حمل میکرد، مانند بسیاری از کامیونهای متعلق به "جبهه" در نبرد اخیر ناکف - مسیر از بندر سودان تا اریتره جاده مسیر از بندر سودان تا اریتره جاده حمل مواد غذایی و دارویی "جبهه" به پایگاههای آزاد شده است. در طول این مسیر ۲۰۰ کیلومتری کاراژها و اماکن مجهزی تاسیس شده اند تا

سختی ها همیشه برای ما تجارب بودند. با آنچه که من در اریتره خوبی بارمغان آورده اند.





### اطلاعاتی درباره اریتره

**جمعیت:** ۴ میلیون که نیمی از آن به سودان و سایر کشورها پناهنده شده‌اند. جمعیت اریتره متشکل از ۹ ملیت است.

**زبان:** زبان تیگره زبان اصلی است در حالیکه عربی و سایر زبان ملیت‌ها نیز تکلم می‌شود.

**پایتخت:** اسماراست و بندر اصلی مساوامی باشد.

**منابع:** مس، آهن، پتاس و طلا.

**کشاورزی:** گندم، مرکبات، کتان، تنباکو. ۸۰٪ جمعیت راکشاورزان عشاير تشکیل می‌دهند.

### از روسیه با عشق

اگر دوروبر مناطق آزاد شده سفر کنی شواهد بسیاری می‌یابی که نشان‌دهنده مداخله و نقش مسکو در این جنگ است.

من شهر (ناکفا) را باز دیدم، این شهر توسط راکت‌ها، میگها و اسلحه سنگین روسی بمدت یکسال بمباران شده بود، تا اینکه بالاخره جندی قبل (EPLF) حمله متقابل کرد و نیروهای دشمن را عقب راند. اغلب مناطق شهر مخروبه است و از سکنه خالیست.

در بیمارستان (EPLF) یک دختر دوازده ساله بنام "سیا" آشنا شدم که هردوی وی در اثر بمب میگ در ناکفا فلج شده بود.

همچنین سلیمانیه را بازدید کردم که پایگاه بیش از ده هزار تن از پناهندگان خوش شانس اریتره‌ای میباشد. نیم میلیون نفر یا بعبارت دیگر یک هفتم جمعیت اریتره به بیرون رانده شده‌اند.

چگونه روسیه میتواند مسئولیت خود را در قبال ادامه جنگ و گشتار مردم اریتره انکار کند؟ اگر دخالت روسیه در سال ۱۹۷۸ نبود، اریتره امروز آزاد شده بود. زمانیکه روسها دخالت کردند ۹۵٪ مناطق

میتواند خطوط مهم استراتژیکی نفتی را که راه ارتباط خاورمیانه به اروپا است تهدید نماید. در حقیقت جنگ کنونی مسکو برای تسلط بر اریتره بخشی از جنگی است که مسکو برای نفوذ و تسلط بر خلیج فارس از شمال و جنوب براه انداخته است.

برای رسیدن به چنین آرزویی، سوسیال امپریالیستهای روسی همان کارنیمه تمام آمریکایی‌ها و همان راه آنان را ادامه می‌دهند، یعنی پشتیبانی از رژیم اتیوپی برای الحاق و ضمیمه کردن خاک اریتره. این یک عقب گرد کامل از موضع انقلابی اتحاد شوروی سوسیالیستی تحت رهبری استالین است که حق اریتره را برای استقلال برسمیت شناخت و حالا مسکو با پشت کردن به این موضع از پشت به خلق اریتره خنجر زده است.

مشاهده کردم شک ندارم که رزمندگان رها تیپش اریتره از طریق جنگ توده‌ای آنچنان درسی به رژیم اتیوپی و اربابان روسی‌اش خواهند داد که آنها هرگز فراموش نخواهند کرد.

بدون شک در آینده نزدیک ما اخبار بیشتری در باره پیروزیهای جنگ رها تیپش اریتره خواهیم شنید.

## تاریخچه‌ای از مبارزات خلق اریتره

دهها سال است که امپریالیستها حق مردم اریتره را برای استقلال و تعیین سرنوشت خود زیر پا گذاشته‌اند.

گرچه مردم اریتره دارای تاریخی طولانی هستند، ولی اریتره مدرن بمتابه یک ملت با حدود جغرافیای مشخص، برای اولین بار پس از تجاوز استعمارگران ایتالیائی بخاک این کشور در سال ۱۸۶۹ پدید آمد. این کشور تحت سلطه ایتالیا باقی ماند تا اینکه در سال ۱۹۴۱ توسط بریتانیا اشغال شد.

در سال ۱۹۵۰ طبق برنامه آمریکا، سازمان ملل پیشنهاد نمود که اریتره تحت سیستم فدرال بعنوان یک ناحیه خود مختار ضمیمه (حبشه) اتیوپی باشد. توطئه ضمیمه کردن اریتره به اتیوپی به جریان افتاد: امپراطور حبشه هیلاسلاسی کلیه احزاب سیاسی، سندیکاها و پارلمان اریتره را بست. استفاده از زبان رسمی اریتره ممنوع شد و زبان هیئت حاکم حبشه به زبان رسمی اریتره تبدیل شد.

### جبهه آزادیبخش خلق اریتره آماده است

رفیق سبحت افرام عضو دفتر سیاسی (EPLF) بمن گفت: "هتافاتی که بیفتند ما از نظر نظامی قدرت مقابله با آنها داریم."

در سال ۱۹۶۲ هیلاسلاسی این کشور زرخیز را بزور تحت سلطه درآورد و آنرا ایالت چهاردهم خود خواند.

مردم اریتره از همان ابتدا علیه توطئه اتیوپی مبارزه کردند. اما نقطه عطف در مبارزه آنان در سال ۱۹۵۸ اتفاق افتاد که یک تظاهرات مسالمت آمیز کارگران اریتره‌ای مورد حمله وحشیانه نیروهای اتیوپی قرار گرفت که منجر به کشته شدن ۸۸ کارگر وزخنی شدن ۴۵۳ نفر گردید. برای بسیاری این پایان مبارزه مسالمت آمیز اریتره با اتیوپی بود.

جبهه آزادی بخش اریتره (ELF) در سال ۱۹۶۰ بوجود آمد و یکسال پس از آن مبارزه مسلحانه را آغاز کرد.

## سخنرانی نماینده جبهه آزادیبخش اریتره

سوم تشنه‌ها کردن خود از بردگی است. خلق ما برای کسب آزادی و استقلال خویش می‌جنگند و مصمم است تا حکومت مردم بر مردم را تاء میسن کند. این حق مسلمی است که توسط کلیه قراردادهای بین المللی تضمین گشته و همه قوانین حقوقی دنیا در تمام طول تاریخ بر آن تاءکید گذارده است.

حکومت فعلی اتیوپی، از سال ۱۹۷۵ تاکنون، جنگ وسیعتری را برای نابودی خلق ما دامن زده است. و عاملی که حاکمین فعلی را حتی از پشتیبانی آنها یعنی هیلاسلاسی نیز خطرناکتر و خونخوارتر میسازد، گوشش آنها در نشر اکاذیب و اطلاعات غیر واقعی است. آنها تا حدودی موفق شده‌اند بخش وسیعی از افکار عمومی جهان را با ادعاهای قلابی "انقلابی نمائی خود، و یانفی مبارزه خلق ما و با الحاقی برجسب هائی چون "ارتجاعی و نظایر آن به انقلاب راستین ما منحرف سازند.

علیرغم اینکه اتحاد شوروی در مجمع عمومی سازمان ملل در سال

۱۹۵۰ از حقوق خلق اریتره برای کسب آزادی و استقلال حمایت نمود، ولی بزودی رنگ عوض کرد و از آن زمان به بعد سیاست سکوت و انفعال را در قبال ستم و بیعدالتی حکام اتیوپی علیه مردم ستاد نهاد نمود. و در ادامه این سیاست بعد از ۱۹۷۴، شوروی بطور آشکار همدوش با رژیم نظامی اتیوپی علیه خلق ما و انقلاب ما ایستاد و رژیم اتیوپی را با انواع اسلحه، مواد لازم و تبلیغات در سطح جهان مجهز ساخت.

"کمکهای" ایالات متحده بر رژیم سابق هیلاسلاسی در طول ۲۳ سال روابط "دوستانه" آن با امپراطوری اتیوپی به ۱۵۰ میلیون دلار بالغ شد در حالیکه اتحاد شوروی تنها در دو سال ۷۸-۱۹۷۷ سیل سلاحهای نظامی تجهیزات و وسائل گوناگونی را بمبلغ ۱۲۰۰ میلیون دلار از طریق منگیشو هایل مریم به اتیوپی سرازیر کرد.

علاوه بر آن، مستشاران و افسران عالی رتبه متعدد روسی، کوبائی و آلمسان شرقی نیز در اتیوپی حضور دارند. نتیجه بلاواسطه این حمایت وسیع از

جانب "بلوک سوسیالیستی" به رژیم فاشیستی اتیوپی سد کردن راه انقلاب ما برای نیل به پیروزی و کسب استقلال بوده است.

در سال ۱۹۷۷، نیروهای انقلاب اریتره بیش از ۹۰٪ از خاک اریتره را در کنترل داشتند و لسی پشتیبانی بلوک شوروی از رژیم اتیوپی باعث شده تا آنها با بمباران وحشیانه روستاها و شهرهای ما استفاده از هزاران بمب تجاوز خود را تشدید کنند و سبب گشتار و مجروح ساختن دهها هزار نفر از مردم ما شوند. اکنون صدها هزار تن از پناهندگانی که از حداقل امکانات غذایی و خدمات بهداشتی محروم انداز سرزمینهای خود بیرون رانده شده‌اند و نتیجه این همه اقدامات جنایتکارانه، تشدید رنجهای خلقی است که امروز در شرائط غیرقابل تحمل و تاءسف انگیزی زندگی می‌کنند.

در خاتمه اعلام می‌کنیم که مبارزه ما بخش جدا ناپذیری از مبارزه شمارم دلیبر و پیروزی ما پیروزی شما و کلیه خلقهای ستم‌دیده جهان است.

تشکیلات مردم جبهه آزادی بخش مردم اریتره در ابتدای سال ۱۹۷۰ بوجود آمد و از سال ۱۹۷۸ ایندو جنبش گامیهای برای عملکرد مشترک بر علیه دشمن مشترک برداشته‌اند.

تا سال ۱۹۷۴ که هیلاسلاسی سرنگون شد نقش امپریالیسم آمریکا در اتیوپی آماج اصلی مبارزه آزادی بخش مردم اریتره محسوب میشد.

نیمی از مهمات و وسایل نظامی که آمریکا به آفریقا مینفرستاد بمنظور سرکوب جنبش اریتره عازم اتیوپی میشد. در عرض اتیوپی در سال ۱۹۵۳ معاهده‌ای سری با آمریکا امضاء کرد که بر طبق آن حق ایجاد پایگاههای دریائی در اریتره را به آمریکا داد آمریکا یک پایگاه جاسوسی بنام کاکینوا سیتش در نزدیکی پایتخت اریتره در (اسمارا) و یک پایگاه دریائی در (مساوا) ایجاد کرد و قتیکه هیلاسلاسی در اثر یک قیام توده‌ای سرنگون شد رژیم نظامی "درگ" (DERGUE) که در اثر یک کودتا بقدرت رسیدار پطاش را بسا و اشنگتن قطع کرد و پایگاههای آمریکا را بست.

روسیه بسرعت تسلط یافت و از رژیم نظامی اتیوپی پشتیبانی کرد. و در همان زمان مردم اریتره خود را در جبهه مقدم مبارزه با روسیه یافتند.

در کنفرانس بین المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران که چندین قبل در تهران برگزار گردید نمایندگان از جانب جبهه آزادیبخش مردم اریتره نیز شرکت داشتند. این هیئت طسی ایراد سخنرانی، پشتیبانی خود را از انقلاب ایران اعلام داشتند و ضمن محکوم ساختن مداخلات آمریکادر ایران، از تهاجم و تجاوز رژیم اتیوپی که با پشتیبانی شوروی، کوبا و آلمان شرقی به سرکوب وحشیانه خلق اریتره پرداخته و نیز از مبارزات قهرمانانسه خلق اریتره علیه این تجاوزگران سخن راند. بخشهایی از این سخنرانی را در زیر میخوانید:

برادران عزیز، این حقیقت که اراده مصمم خلقها بالاخره آنها را از زیر سلطه، هژمونی و ستم نیروهای بزرگ امپریالیستی رها خواهد ساخت و این حقیقت که مردم، هرچند که کوچک باشند قادرند حقوق مسلم، آزادیها، استقلال و خودگردانی خویش را بکف آورند نیروی الهام بخشی برای ماست. خلق ما همچون سایر خلقهای کوچک و فقیر جهان





## آمریکا: ۵۲ میلیارد دلار تسلیحات نظامی

کمیته امور نظامی سنای آمریکا بودجه‌ای معادل ۵۱۰۹ میلیارد دلار را در هفته گذشته برای تکمیل و ساختمان تسلیحات نظامی در سال آینده تخصیص داد. رئیس کمیته امور نظامی در این مورد گفته است که تصمیم کمیسیون در مورد تخصیص چنین بودجه‌ای دربرابر شرایط نامطمئن جهانی و گامهای سریع شوروی در مدرنیزه ساختن نیروی نظامی خود گرفته شده است. بودجه ویژه جدید، ساختن موشک‌های تازه پیمای ام-۱۰۰، سیستم ارتباطاتی زیر دریایی ها، بمب افکن های بی-۵۲، زیر دریایی‌های اتی، ناوهای هواپیمای بر و همچنین تقویت گروه ویژه ضربتی صد هزار نفری آمریکا در اقیانوس هند و خلیج فارس را در بر میگیرد.

## اتیوپی: هلیکوپترهای جنگنده روسی برای کشتار

رژیم فاشیستی منگیستو در خدمت به اهداف توسعه طلبانه شوروی در شاخ آفریقا به "کوبای آفریقا" تبدیل شده است و هر روز زرادخانه جنگی اش از تسلیحات نظامی روسی انباشته میشود. اخیراً شوروی یکسری هلیکوپتر جنگنده نوع می-۲۴ تحویل منگیستو داده است. این هلیکوپترها مجهز به تیربارهای گتکینگ و موشکهای هوا به زمین میباشد و بدنه آنها کاملاً ضد گلوله است. این نوع هلیکوپترها در سرکوب مبارزین افغانی بکار برده میشوند. خلبانان هلیکوپترها در اتیوپی نیز روسی میباشد و جزئی از تسلیحات نوین روسها به اتیوپی میباشد که در تجاوز بعدی منگیستو به اریتره، صحراهای اوگادن و سومالی مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

## نیکاراگوئه: مخالفت با نفوذ روسیه

پس از انقلاب نیکاراگوئه در سال گذشته، شوروی با استفاده از مزدوران کوبایی خود در منطقه و با سوار شدن بر روی گرایشات شرق گرایی جناحی در شورای رهبری انقلاب، نفوذ سیاسی خود را در این کشور گسترش داده است. نیروهای استقلال طلب نیکاراگوئه در مقابل انقیاد میهنشان به روسیه دست به مخالفت و مبارزه زده‌اند. "آلفونز و روپلو" که در دهم اردیبهشت ماه از شورای انقلاب استعفا داد در یک گردهم آبی چند هزار نفره در ماناگوئه گفته است که "ما مخالف هر نوع دخالت روسها در امور داخلی کشورمان که از طریق هیئت دیپلماتیک آنان در اینجا انجام میگردد میباشیم". وی همچنین اضافه نمود که: "نیکاراگوئه‌ای‌ها مخالف تبدیل کشورشان به افغانستان دیگری میباشد."

## آفریقا: قحطی در ۱۷ کشور

طبق تحقیقات کمیسیون ویژه سازمان ملل که اخیراً انتشار یافته است، ۲۶ کشور جهان در اواخر امسال دچار کمبود مواد غذایی و قحطی خواهند شد. ۱۷ کشور از رده ۲۶ کشور در قاره آفریقا قرار دارند. ۵۰٪ از کودکان آفریقایی زیر ۷ سال و ۵۰٪ از زنان آفریقایی در بین سالهای ۱۵ تا ۶۰ سال در مناطق شرقی و جنوبی آفریقا با این قحطی گریبانگیر خواهند بود. طبق این تحقیقات ۶۰ میلیون نفر در آفریقا دچار قحطی خواهند شد که اکثراً در کشورهای اوگاندا، تانزانیا، سومالی (اکثراً پناهندگان اوگاندا در اثر تجاوز رژیم اتیوپی)، کنیا، زامبیا سکونت دارند.

## آزانیای: قیام خونین علیه نژاد پرستی

تظاهرات دانش آموزان آزانیای (آفریقای جنوبی) بیش از یکماه است که در جریان میباشد و با فرارسیدن سالگرد کشتار سال ۱۹۷۶ شهر سوئتو که بیش از ۶۰۰ کشته بجای گذاشته بود، باوج خود رسید و شهرهای بسیاری را در بر گرفت در چند روز اخیر، قیام در شهر ژوهانسبورگ و کیپ تاون بحدی رسید که گارد ملی رژیم نژاد پرست برای سرکوب سیاهپوستان به صحنه جنگ گسیل شد. سربازان بی رحمانه مردم را با استفاده از مسلسل، تانک و هلیکوپتر از هوا و زمین به آتش بستند. بیش از ۵۰ نفر در درگیریها بقتل رسیدند. مردم شهرها با پرتاب سنگ و حمله با جوب به سربازان بدفاع از خود پرداخته و ساختمان‌های دولتی را با آتش کشیدند.

## ویتنام: سلب اعتماد مردم از دولت هانوی

وزیر سابق دادگستری دولت موقت انقلابی ویتنام جنوبی بنام "توونگ نهو تانگ" از ویتنام به فرانسه گریخته است. وی در مصاحبه اخیر خود با مجله فرانسوی اکسپرس اظهار داشت که باتفاق ۶۴ ویتنامی دیگر توسط قایقی از ویتنام فرار کرده و به فرانسه وارد شده است. وی گفت "هانوی از همان نخستین روزهای آزادی ویتنام به دولت موقت انقلابی خیانت کرده است. او هم چنین اظهار داشت که "برجسته‌ترین و مشهورترین اعضای دولت موقت که در ویتنام جنوبی جنگیدند هم اکنون گروگان رژیم ویتنام میباشد. او ادامه داده است که رژیم هانوی ترجیح میدهد که مردم بمرگ تدریجی بمیرند ولی رژیم هانوی با مقاومت توده‌های مردم بویژه در ویتنام جنوبی روبرو است. مردم دیگر بهیچوجه باین دولت اعتمادی ندارند."

## آمریکا: اعتراض صهیونیستها به صهیونیستها

سیاست‌های غاصبانه و سرسختانه دارودسته بگین تروریست نه تنها موج وسیعی از اعتراضات افکار عمومی را علیه صهیونیسم اسرائیل برانگیخته است بلکه در جبهه صهیونیستها و متحدانشان نیز شکاف‌های عمیق ایجاد نموده است که مطمئناً در سیاست آمریکا در خاورمیانه بی تأثیر نخواهد بود. سناتور هنری جکسون از حامیان اصلی صهیونیستهای اسرائیل در یک مصاحبه با روزنامه "واشنگتن ستار" به سیاست بگین در مورد شهرک سازی در مناطق اشغالی شدیداً اعتراض نموده است و گفته است که این امر قابل قبول برای آمریکا نمی‌باشد. وی همچنان از سیاست تضمین "امنیت برای اسرائیل" دفاع نموده است.

## ناتو: استقرار موشکهای پرشینگ در صحنه اروپا

در جلسه اخیر گروه برنامه‌ریزی هسته‌ای ناتو که در نروژ برگزار شد، کشورهای عضو ناتو تصمیم گرفتند که موشک‌های نوع کروزر (بازبرد ۲۵۰۰ کیلو متر) را در کشورهای آلمان و ایتالیا و موشکهای پرشینگ ۲- (بازبرد ۲۰۰۰ کیلومتر) را در آلمان غربی مستقر سازند. قرار است که از اواخر سال ۱۹۸۳ استقرار تعداد ۱۰۸ موشک پرشینگ ۲-، ۱۱۶ سکوی پرتاب با ۴۶۴ موشک کروزر شروع شود. حرکت اخیر ناتو در مقابل با ۱۲۰ موشک اس-اس-۲۰ روسیه و ۱۶۰ مک ۲۰۵ یک فایر میباشد که در مرزهای غربی اروپائی شوروی استقرار یافته‌اند. موشک های هسته‌ای اس-اس-۲۰ روسیه دارای ۵۰۰۰ کیلومتر برد و هر کدام دارای سه کلاهک هسته‌ای میباشد. برد موشکهای یک فایر ۹۰۰۰ کیلومتر میباشد.

## رویدادهای اقتصادی

# چرا گندمی را که برای گندم کاران داخلی ۲۵ ریال تمام میشود، از آنها کیلوئی ۱۸۱ ریال می خرید؟

بورروکراتهای دلال وابسته معامله گندم با خارج سود میبرند

در میهن مایک انقلاب سیاسی بوقوع پیوسته است. به حیات یک رژیم وابسته خاتمه داده شده و به جای آن یک حکومت ملی قدرت را در دست گرفته است. ولی با اینهمه، بقایای این رژیم وریشه‌های نفوذ امپریالیسم هنوز در کشور باقی است. دستگاه عریض و طویل بوروکراسی دولتی یکی از بقایای رژیم سابق است که در گذشته در خدمت اهداف استعماری و منافع امپریالیستها قرار داشته است. هستند کارشناسان خود فروخته و بوروکراتهای دلال وابسته که هنوز در این سیستم لانه کرده‌اند و انقلاب نتوانسته است آنها را جارو بکند. چه بسا که این عناصر بعد از انقلاب از ناواری وی بی‌اطلاعی وی برنامگی مقامات مسئولین دولت انقلابی سوء استفاده میکنند و طرحها و برنامه‌هایی دیکته میکنند که بجای خدمت به انقلاب کشور در خدمت امپریالیستها قرار میگیرند. کوشش آنها این است که در روی همان پاشنه سابق بچرخد و وابستگی‌ها حفظ شود. دستورالعمل خرید دولتی گندم یکی از این برنامه‌هاست. که بضرر کشاورزان ایرانی و بسود امپریالیستها و عمال آنها تمام میشود. آنها با یوق و کرنا اعلام میکنند که گندم را کیلویی ۱۸۱ ریال از کشاورزان میخرند. ولی همین‌ها گندم خارجی را کیلویی ۴۰۰ ریال و حتی خیلی گرانتر از خارج میخرند. چرا آنها اینکار را میکنند؟ چرا گندمی را که بنا به اظهار آیت الله منتظری برای خود کشاورز کیلویی ۲۳ ریال تا ۲۵ ریال تمام میشود از او کیلویی ۱۸۱ ریال میخرند؟ و حاضر نیستند این نرخ را افزایش دهند. چرا آنها از مملکت رایبه جیب خارجیها میبرند و برای هر کیلو گندم ۲۲ ریال تفاوت قیمت خرید و فروش آن را (سایسید) از جیب مردم می‌برند؟ چرا جواب آن روشن است. برای اینکه اگر این معامله ادامه پیدا کند، بوروکراتهای دلال، حق دلالی خود را از "کمیانی" هامیگیرند و در این راه میانه سود خود را میبرند. در واقع فقط امپریالیستها نیستند که از این معامله سود میبرند. آنها هم بورس‌ت خودشان را میگیرند.

گندمکاران داخلی از بائین بودن قیمت گندم ضرر میکنند

سال زراعی امسال برای انقلاب مایکسال مهم و حیاتی است. چرا؟ چون در محاصره اقتصادی دشمن هستیم و کشاورزان میهن ما به ندای امام برای مقابله با امپریالیستهای دشمن کمر همت بسته‌اند و زمینهای خود را زیر پرکت گندم بردارند تا از نظر غذایی به خارج محتاج و وابسته نباشیم. این زمینها دودسته هستند:

اول - زمینهای کوچک و متوسطی که بدهقانان فقیر و میانه‌حال تعلق دارند. بیشتر اینها زمینهایی است که این سالها با برافتاده بود و بخصوص امسال کشاورزان، برای، همکار، با انقلاب و احابت دعوت امام معاد، تمام خدکفاب

# پناهندگی بازیکنان تیم ملی

هفت عضو تیم ملی بسکتبال افغانستان که قرار بود در مسابقات المپیک مسکو شرکت کنند به پاکستان پناهنده شدند. کریم دادخان کاپیتان تیم ملی بسکتبال افغانستان در یک مصاحبه مطبوعاتی در پشاور به خبرنگاران گفت که مانند مردم افغانستان ما هم اشغال نظامی کشورشان را به دست ارتش شوروی محکوم میکنیم. مردم افغانستان از روسها متنفرند و قهرمانان ما با ارتش شوروی که یک حکومت وحشت و ترور را در کشورمان بوجود آورده است، میجنگند. دادخان اضافه نمود که ورزشکاران افغانی عمل رژیم بیرک کارمل مبنی بر شرکت در بازیهای المپیک مسکو را رد مینمایند.

بقیه از صفحه ۱  
"عاقبت سانتريست . . . ."

علیرغم صداقت و مبارزهجویی بنیان گذاران آن از ابتدای تشکیل خود، گرفتار مشی سانتريستی بوده است. در آن زمان که مبارزه میان دو خط مشی، مبارزه میان مارکسیسم - لنینیسم اندیشه مائوتسه دون و رویز - پونیس نوبن شکوفا گشته بود و کمونیستهای انقلابی با خط کشی دقیقی راه خود را از خیانتهای آنکارانی چون رهبران حزب توده، جدا میکردند، کسانی چون کاسترو و دبره با آوردن نظریات التقاطی و درهم خود، این خط کشی را مخدوش مینمودند. تزهایی رفیق احمدزاده که در آن زمان بر سازمان چریکها حاکمیت داشت، ملهم از نظرات کاسترو و دبره - است. البته دیدیم که چگونه دبره "سویرانقلابی" از مارکسیسم دست میکشد و کاسترو "مستقل" تنها چاپلوسی و مزدوری در گارگا سوسیال امپریالیسم بزول میکند. از ویژگیهای "خط احمدزاده" این بود که:

۱- با وجود نفی رویزیونیسم خروشچی و حتی قبول واژه "سوسیال امپریالیسم"، از آن درک بسیار نازلی دارد. و فرقی رویزیونیسم و مارکسیسم لنینیسم را تنها در داشتن اسلحه یا نداشتن آن میدانند.

۲- با وجود پذیرش گوشههایی از اندیشه مائو و احترام به اصل "انقلاب کارتوده‌هاست" در عمل "مشی" آنارشیستی دبره را به آن ترجیح داد و بدینسان به توجیه راه جدا از توده ها و تروریسم پرداخت و راه را برای تمام انحرافات بعدی سازمان باز میکند (رجوع کنید به مقاله نگاهی به سیر انحطاط چریکهای فدایی در رنجبر شماره ۶۰)

در اوایل دهه ۱۳۵۰ زمانی که مارکسیست لنینیستهای ایران با دست گرفتن مشعل اندیشه مائو به درستی با فاشگری نظرات رویزیونیستی و خیانتهای کمیته مرکزی حزب توده برخورد کرده بودند، مشی

سانتریستی چریکها راه را برای نجات توده‌ها و رویزیونیسم باز میکند. "مشی جزنی" که التقاطی شکسته بسته از نظرات کاسترو، دبره، ماریگلا و خروشچف بود، گامی به سوی نزدیکی بیشتر سانتریسم به رویزیونیسم برداشت. "خط جزنی" پس از ضرباتی که رهبران اصلی چریکها در میدان مبارزه از رژیم خوردند، توانست از راه زندانها بر سازمان فدائیان غلبه یابد. این خط به سادگی اختلاف مارکسیسم لنینیسم اندیشه مائو را با رویزیونیسم نفی کرده و خواهان سازش آنان بود. "خط جزنی" به اردوی سوسیال امپریالیسم به چشم "برادری" نگاه میکند و انتقادش از رویزیونیسم (که تبلور ایدئولوژی بورژوازی در جنبش کمونیستی است) در حد انتقاد از یک "فرصت طلبی" قابل اصلاح بود. (رجوع کنید به همان مقاله) عواقب سانتریسم "خط جزنی" بزودی آشکار گشت. توده‌های شدن بعضی از اعضای چریکها در زندان، نطفه‌بستن جریان نیمه روسی معروف به خط چهار، (که اغلب از گارد های چریکها بودند). رشد محبوبیت و نفوذ افکار گارد های توده‌های میان فدائیان انشعاب "گروه منشعب از سازمان چریکها" (حیدری بیگوند) و پیوستن آنها به حزب توده و بالاخره ظهور رهبری غاصب کنونی (اکثریت) که پس از علنی شدن فعالیتها سازمان (پس از انقلاب) بقدرت رسیدند و غالباً دارای تمایلات توده‌های و روسوفیلی آشکار بودند، روشن کرد که دیگر سانتریستهای سازمان چریکها، قادر به نشستن بین دو ضدالهی نیستند و باید جایگاه حقیقی خود را روشن کنند. رهبران جدید دفاع آشکار از سوسیال امپریالیسم و حمله به پیروان م - ل اندیشه مائو به نام "مائوئیستها" دست زدند پس از بلنوم سازمان در مهرماه ۵۸، رهبری غاصب دست به کناره‌گذاشتن باقی مانده سانتریست‌ها زدند که هنوز مذبحخانه میکوشیدند بیطرفی

# تحریم ورزشکاران گسترش می‌یابد

سوارکاران پرش با اسب سوئد اعلام کردند که هیچ یک از سوارکاران سوئد در مسابقات المپیک شرکت نخواهند کرد. از تیم‌های ورزشی زلاند نو برای المپیک مسکو فقط ۱۲ ورزشکار باقی مانده است و بقیه ورزشکاران به جمع تحریم کنندگان پیوسته‌اند. تیمهای قایق رانی، دو میدانی و دوچرخه‌سواری زلاند نو نیز المپیک مسکو را تحریم نمودند. کمیته ملی المپیک استرالیا که قبلاً جزء شرکت‌کنندگان در بازیهای تابستانی المپیک بود هفته قبل در جلسه دیگری تصمیم به تحریم این بازیها را گرفت. بسیاری از ورزشکاران انگلیسی با وجود تصمیم کمیته المپیک انگلستان مبنی بر شرکت در بازیها، خود مستقلاً المپیک را تحریم نموده‌اند.

خودرانسبت به مارکسیسم لنینیسم و رویزیونیسم روسی حفظ کنند. اعلام انشعاب اخیر اکثریت و اقلیت، در سازمان چریکها نتیجه منطقی رشد جریان‌های بود که از مدتها قبل در درون سازمان بوجود آمده بود در این میان اکثریت رهبری سازمان در نرسیه کار ۵۶ بطور رسمی پایان سانتریسم و پذیرش رویزیونیسم روسی و نوکری سوسیال امپریالیسم را اعلام نمود. اقلیت رهبری هنوز تلاش میکند تا با اتخاذ تاکتیکهای "چپ روانه" و محکوم ساختن سطحی "پورتونیسم" از زیر بار خط کشی اصولی با رویزیونیسم روسی شانه خالی کند و به مشی سانتریستی خود بچسبد. اما سانتریسم چریکی مدتهاست که در اثر رشد و طغی شدن تضادها در صحنه بین‌المللی مرده است و جریان‌های اخیر سازمان چریکها نیز ورشکستگی آنها در ایران باثبات می‌سازند. (رجوع کنید به رنجبر همان شماره). ورشکستگی سانتریسم چریکها درس عبرتی برای تمام نیروهای است که هنوز در طیف میان مارکسیسم و رویزیونیسم سرگردانند. برخی از آنان دیگر فاصله‌های با قطب رویزیونیسم ندارند و برخی دیگر هنوز تا حدودی فاصله خود را حفظ کرده‌اند. اما بهر حال کوران مبارزات، بیش از این نشستن میان دو ضدالی را اجازه نخواهد داد. خلاصه اینکه:

- ۱- سانتریسم سازمان چریکها، به نتیجه منطقی خود یعنی سقوط به دامن رویزیونیسم روسی انجامید.
- ۲- پوشش "چپ سانتریسم چریکها" تنها پوسته نازکی برای پنهان ماندن ماهیت راست آن مشی بود.
- ۳- ژرفای حلقوم سوسیال امپریالیسم روسیه، جایگاه نهایی کلیه خطوط راست و "چپ سانتریستی" است، که نمی‌خواهند با برخورد اصولی اشتباهات و انحرافات خود را تصحیح و به جنبش اصیل مارکسیستی لنینیستی ایران بپیوندند.

بقیه از صفحه ۶  
"مراسم سالروز . . . ."

\* گرامیداشت سالروز "خلع ید در جبهه ملی"

بمناسبت گرامیداشت ۲۹ خرداد ۱۳۳۰، سالروز خلع ید، در تحلیل از این روز تاریخی و نقش برجسته دکتر محمد مصدق رهبر ملی مردم ایران، مراسم ویژه‌ای در ساختمان مرکزی جبهه ملی ایران برگزار شد. در این مراسم که مصادف با سالروز شهادت دکتر علی شریعتی نیز بود بیش از ۲۰۰۰ نفر از شخصیت‌های ملی و اسلامی، رهبران و اعضا و هواداران جبهه ملی شرکت داشتند.

پس از قرائت پیامهایی چند از جانب گروه‌های وابسته به جبهه ملی، آقای دکتر سید احمد مدنی نماینده مردم کرمان در مجلس شورا سخنرانی کرد. سخنرانی دکتر مدنی با تجلیل از خاطره شهادی جبهه ملی و از زنده یاد دکتر محمد مصدق و اهمیت نقش او در مبارزه علیه شرکت نفت انگلیسی در ایران پیش از کودتای ۲۸ مرداد آغاز گشت. او سپس به ذخائر غنی نفت و گاز ایران اشاره کرد و بمقایسه آن با ذخائر جهان پرداخت. دکتر مدنی در ارتباط با مسائل انقلاب ایران به سیاست نه شرقی - نه غربی اشاره کرد و مضمون آنرا نه در قطع رابطه کامل با جهان بلکه در "استثمار شدن و استثمار نکردن" نه در سوی غرب و نه در سوی شرق ذکر کرد و گفت که ما با دنیا نمی‌توانیم قطع رابطه کنیم زیرا احتیاج به دانش‌های گوناگون جهان داریم. دکتر مدنی در بخش دیگری از سخنانش هشدار داد که در مبارزه علیه امریکا باید مراقب باشیم تا یکمرتبه در دامان روسها نیافتیم. این مراسم تا ساعت ۸:۳۰ ادامه داشت و در میان ابراز احساسات پر شوری از جانب مردم پایان گرفت.

سوررن بر برای معنای با بسبب و اجابت دعوت امام و برای تامین خوددهایی و به نیازی از خارج. آنها را گندم گشته‌اند. در صورتیکه قیمت گندم پنجوی باشد که درآمد حاصله از آن کمتر از درآمدی باشد که در شهرها از کارهای "سياه" و غیر تولیدی مثل ماشین شویی، دوره‌گردی، لیفروشی و . . . بدست میاید، طبیعی است که کشاورزان ماکار کشاورزی راه‌ها کرده، و به شهرها سرازیر میشوند. اینکار قبل از همه بنفع بوروکراتهای دلال است که با خرید گندم از خارج به لفت و لیس خود می‌رسند.

دوم - زمینهایی که قبلاً به زمینداران بزرگ و وابسته تعلق داشته و در طی انقلاب و در ۱۰ ماه گذشته از طرف دهقانان بی زمین و کم‌زمین بازپس گرفته شده و به زیرکشت گندم رفته‌است. اگر چه وضعیت مالکیت این زمینها هنوز معلوم نشده‌است. ولی چون آنها را زحمتکشان روستایی گشته‌اند اگر آنها موفق به برداشت محصول خود بشوند و بتوانند گندم درو شده را به قیمت مناسب بفروشند یک پیروزی بزرگ برای کشاورزان و شکست بزرگتری برای زمینداران بزرگ و وابسته خواهد بود. طبیعی است وقتیکه قیمت گندم بنحوی باشد که بصرفه‌نیا شد کشاورزان مایوسی و سرخورده شده و زمینها را رها خواهند کرد. اینکار هم بنفع مالکین بزرگ تمام خواهد شد. همین‌هایی که در وزارت کشاورزی نفوذ دارند و میتوانند کاری کنند که دستورالعمل خرید گندم از کشاورزان طوری باشد که بنفع آنها تمام شود. چون وقتی قیمت پائین باشد، کشت گندم صرف نمیکند و کشاورزان زمینها را رها میکنند و مبارزه دهقانان برای تصرف زمین و جنبش آنها با شکست روبرو میشود. و اینکار نهایتاً بنفع همان مالکین تمام میشود. کسی نیست که اگر زمین بجای اینکه در دست زحمتکشان روستایی باشد دردسخت زمینداران بزرگ بود و دستورالعمل خرید گندم هم شکل دیگری پیدا میکرد. . . و گندم به قیمت گرانتری خرید میشد.

محتکرین هم در این میان سود می‌برند

از طرف دیگر وقتی قیمت گندم پائین باشد، کشاورزان مجبور میشوند گندم خود را در بازار آزاد بفروشند. اینجاست که سرولکله محتکرین پیدا میشود. آنها گندم را به قیمت گرانتری - ولو یک ریال گرانتر - از کشاورزان می‌خرند و احتکار میکنند. و بعد همین گندم را به قیمت دولوپنایه خود کشاورزان می‌فروشند. کشاورزی که گندم خود را کیلویی ۱۸ ریال به دولت ویا کیلویی ۱۹ یا ۲۰ ریال به محتکرین فروخته‌است باید همین گندم را به قیمتی گرانتر از محتکرین بخرد. . . و همچنین آردی را که از همین گندم بدست آمده کیلویی ۳۰ ریال و حتی بیشتر خریداری نماید.

دولت ادعا میکند که بنفع مصرف کننده گندم را از خارج وارد میکند و تفاوت قیمت خرید گندم از خارج و فروش آن در بازار را از جیب مردم می‌برد. در آخر همین مصرف کننده هم مضرب میشود. چون قسمت عمده این مصرف کننده‌ها خود دهقانان و تهیه‌سازان شهری هستند که گندم و آرد را باید از محتکرین و به قیمت گران بخردند.

ادامه این وضع به تولید ملی لطمه میزند

در اینجا باید پرسید که دولت این وضع را تا کی می‌خواهد ادامه بدهد؟ تا زمانی که تولید داخلی کمتر از کل مصرف داخلی است؟ اگر اینطور است پس چرا گندم‌کاران داخلی را به تولید بیشتر تشویق نمیکنیم؟ و چرا پائین نگه داشتن نرخ خرید گندم گندم‌کاران داخلی را دلسرد میکنیم! مگر جز این است که با این کار آنها را تشویق میکنیم که گندم را رها کنند تا گندم بیشتری از خارج وارد بشود؟ نتیجه اینکار چیست؟ هم دولت سال بسال باید پول بیشتری از خزانه مملکت را بابت سبید بردارد و هم تولید داخلی نابود بشود و بیش از پیش به خارج وابسته شویم؟ کسانی که مانع افزایش قیمت خرید دولتی گندم داخلی میشوند، غیر از بدست آوردن حق دلالتی، به چه چیزی غیر از این کمک میکنند؟ کار آنها چه خواهند وجه خواهند به نفع امپریالیستها، به نفع زمینداران بزرگ و وابسته، بنفع بوروکراتهای دلال و وابسته و به نفع محتکرین تمام میشود. دولت باید تادیر نشده دست بگارد. باید عوامل رژیم سابق و بوروکراتهای دلال و وابسته را که در وزارت کشاورزی لانه کرده‌اند جارو بکند. منافع زحمتکشان روستایی و استقلال کشور را در نظر بگیرد و با افزایش معقول قیمت خرید دولتی گندم، گندم‌کاران زحمتکش داخلی را به تولید بیشتر تشویق نماید، توصیه آیت‌الله منتظری را ویژه گوش کنید و: "جنسهای کشاورزان را با قیمت خوب بخرد" و به کشاورزان صادراتانه توضیح بدهید که: "به چه ملاکی گندمی را که برای آنها ۲۳ ریال الی ۲۵ ریال تمام میشود. از آنها ۱۸ ریال می‌خرند؟"

# نوسازی ارتش بر مبنای مشی اتحاد بزرگ ملی

طرح تجدید سازمان ارتش جمهوری اسلامی ایران به تصویب مسئولین امور ریاست جمهوری رسید و رئیس ستاد مشترک ارتش در اختیار رسانه های گروهی قرار گرفت. ارائه این طرح بار دیگر مسایل حیاتی مربوط به بازسازی ارتش را در برابر نیروهای سیاسی جامعه قرار میدهد.

ما در این رابطه ضروری میدانیم تا بار دیگر نظرات خود را در مورد این مسأله خطیبر با خوانندگان در میان گذاریم. اهمیت ارتش بعنوان ستون فقرات سیستم دفاع ملی بر کسی پوشیده نیست. ما در عصر امپریالیسم، در دنیای ابر قدرت های سلطه گر، متجاوز و غارتگر زندگی می کنیم. استقلال و تمامیت ارضی کشورها مداوما مورد تجاوز این یا آن ابر قدرت و دست نشاندگان آنها قرار می گیرد. عمال ونوکران دو ابر قدرت توطئه های گوناگونی علیه مصالح ملی خلقهای ستمدیده انجام میدهند.

کشور ما در منطقه بسیار حساسی از جهان قرار گرفته است و استقرار جمهوری اسلامی ایران با اهداف استقلال طلبانه و پرچم نه آمریکا، نه روسیه، مانعی است در برابر پیاده شدن سیاستهای استیلا جویانه دوا بر قدرت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بازسازی ارتش که قسمت اعظم آن در طول انقلاب از رژیم سابق جدا شده و به مردم پیوسته، مورد توجه رهبران انقلاب و نیروهای سیاسی قرار داشت. در این میان نظرات انحرافی "چپ" و راست مختلفی نیز توسط اکثر نیروها و شخصیت های سیاسی مطرح می شد. نظرات راست که بنوعی خواهان حفظ همان نظام ارتش با تغییرات جزئی بود زمینه رشد پیدا نکرد. اما نظرات "چپ" که با ظاهر بی مسایل کنونی جامعه در ماهیست ارتجاعی، کشور ما را از داشتن ارتشی ملی و مردمی محروم ساخته و زمینه ساز توطئه های دوا بر قدرت و بیزه روسیه می شدند، زمینه ای برای ایجاد اغتشاش داشتند. نظرات "چپ" علیرغم تفاوت های خود در اصل مطلب یک چیز را می گفتند: انحلال ارتش و جایگزین ساختن آن با چیزی موهوم بنام "ارتش خلق".

این نظرات "چپ" و ماهیبا راست بطور منظم و به اشکال باصطلاح "معتولانه تر" توسط کارگزاران اصلی ابر قدرت روس یعنی دارودسته مزدور کیانوری در حزب توده هدایت و پیگیری شده است.

حزب رنجبران ایران از همان آغاز قاطعانه به مبارزه با این نظرات انحرافی راست و "چپ" و بخصوص مبارزه با اهداف لید و خائنانسه نوکران روسیه پرداخت و نظرات خود را در مورد بازسازی ارتش طی مقالات متعددی ارائه نمود، فشرده نظرات ما بصورت سندی با عنوان "موضع اجمالی حزب رنجبران ایران درباره دفاع و امنیت ملی در سمینار دانشگاه دفاع ملی در هفته اول اردیبهشت ماه امسال، ارائه گردید و در "رنجبر" شماره های ۴۶ و ۴۷ به چاپ رسید.

اما برخورد به اخلاگری و توطئه های دشمنان انقلاب و استقلال میهن مان در رابطه با نیروهای مسلح و بخصوص ارتش اهمیت زیادی دارد و هوشیاری بسیار دقیقی را ایجاب می کند. این اخلاگری و توطئه هادر ارتش اساسا توسط دو ابر قدرت آمریکا و شوروی و جاسوسان و عمال داخلی آنها صورت می گیرد.

باند کیانوری در حزب توده که بنوعی سر نخ کلیه نظرات چپ نماها و انقلابی نماها را بعد از انقلاب تاکنون در دست داشته است، مودیان به دامن زدن و حمایت از نظر انحلال ارتش می پرداخت. اما پس از شکست این نظر آنها بایبای چپ نماها و انقلابی نماها و در رأس آنها به تحریک و توطئه علیه ارتش، سایه پراکنی در صفوف آن، ایجاد بدبینی در میان مردم نسبت به ارتش و... پرداخت. در عین حال این باند مزدور به تبلیغ نظرات ضد ملی و انقیاد طلبانه درباره ارتش پرداخته و "طرح ها" و "پیشنهادها" بی هم برای وابسته کردن ارتش جمهوری اسلامی ایران به ابر قدرت روسیه ارائه داد. آنها از جمله مطرح کردند که افسران توده ای اخراجی در زمان رژیم سابق دوباره به ارتش بازگردند. مسلما هدف این پیشنهاد ها عیار بستن از نفوذ دادن عناصر خود و گسترش نفوذ روسیه در ارتش ایران برای اینکه طرح کودتای موعود آنها را پیاده کنند. آنها طبق دستور ارباب می خواهند کشور ما دارای ارتشی ضعیف، ضربه پذیر و قابل نفوذ و رخنه باشد

و برای این منظور از رو و از زیر تلاش می کنند. با توجه به این واقعیت نظراتی که این روزها سبک برگشتن افسران وابسته به حزب توده را به سینه میزند دقیقا حاده صاف کن نفوذ روسیه در مهمترین ارگان دولتی می باشد. لذا بغایت انحرافی و ضد مردمی بوده و زمینه موثر شدن توطئه های باند کیانوری را مساعدتر میسازد باید با این نظرات بشدت و بطرز اصولی مبارزه نمود.

در شرایط حساس کنونی ضمن زدودن و پاکسازی آثار وابستگی به امپریالیسم آمریکا در ارتش باید دقت و هوشیاری خود را در مقابل هرگونه نفوذ، رخنه و توطئه های امپریالیسم روسیه و عمالشی در ارتش بالا ببریم و نگذاریم وحدت صفوف نیروهای مسلح کشورمان در دفاع از خط "نهر سفی، نه غربی" جمهوری اسلامی دچار تردید و تزلزل گردد.

با حرکت از این نظرات و نظرات ارائه شده در سند مذکور حزب رنجبران ایران، طرح تجدید سازمان ارتش جمهوری اسلامی ایران که توسط و جارچوب کلی آن اعلام گردید چنانچه در خدمت استقلال کشور از دو ابر قدرت و در جارچوب سه اصل خلق استقلال - آزادی - عدالت اجتماعی اجرا شود، بدون شک مورد پشتیبانی کلیه استقلال طلبان و از جمله پرسنل میهن دوست ارتش قرار خواهد گرفت.

جارچوب طرح تجدید سازمان ارتش باین شکل اعلام شده است: ۱- قطع هرچه سرایتگر وابستگی به خارج و توجه به استعداد های موجود برای خود کفایتی. ۲- رفع تبعیضات موجود. ۳- تبدیل محیط فعلی به دانشگاهی که از طریق آن استعدادها بتوانند رشد یافته و افراد ممتاز هرچه زود تر در مشاغل و مسندهای قرار گیرند که شایستگی آن را دارند.

۴- برقرار کردن روابط انسانی مطلوب با مردم و جامعه خارج از ارتش. ۵- فرار گرفتن در خدمت مردم و درجهت پیشرفت عمومی. اما آنچه که رسیدن به اهداف فوق را تضمین میکند سیاست و خط مشی حاکم بر اجرای طرح، برنامه ریزی دقیق و اصولی و توجه و پیگیری آن در عمل توسط افراد مومن، متعهد و انقلابی است. در این زمینه ما ضمن تاکید بر سیاست ضد وابستگی، ضد

تبعیض و در خدمت مردم فرار گرفتن ارتش که در نکات فوق آمده، دو مسئله زیر را در مورد بازسازی ارتش با اهمیت تلقی می کنیم: ۱- در مورد خصوصیات سیاسی و عقیدتی ارتش، ضمن اینکه ارتش نباید میدان دسته بندی های گروهی و سیاسی باشد، در عین حال سیاست زدایی بپیچوجه منطبق با اهداف ایجاد یک ارتش ملی و مردمی نمیشد آنچه که وحدت درونی ارتش را تضمین میکند نه سیاست زدایی بلکه خط مشی وحدت طلبانه حاکم بر ارتش است. لذا ارتش نباید بر مبنای انحصار طلبی گروهی، حزبی و ایدئولوژیکی اداره شود بلکه ارتش باید نمونه خط مشی اتحاد بزرگ ملی باشد، که اتحادی است سیاسی و برای تحقق اصول استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی. ۲- تبدیل ارتش به ارتشی ملی و مردمی و بر مبنای سیاست بازسازی دارد. نو سازی ارتش علاوه بر نو سازی سیاسی، شامل زدودن کلیه آثار ضد مردمی در نظام ارتشی و برقراری مناسبات و انضباط آگاهانه بصورت مرکزیت دمکراتیک میباشد.



# ماهیت ضد کارگری باند کیانوری در حزب توده

توطئه علیه مهاجرین زحمتکش افغانی

روستاخه "مردم" شماره ۲۴۷ - ۱۰ خرداد ۵۹، یک بار دیگر ماهیت ضد کارگری و فاشیستی باند کیانوری در حزب توده را به نمایش گذاشت. روستاخه مردم در مقاله های با نام "بیکاری و مسئله کارگران خارجی" پس از مقداری مقدمه چینی، به وجود کارگران مهاجر افغانی در ایران اعتراض کرده، می نویسد: "چند سالی است که سیل کارگران افغانی بسوی ایران سرازیر شده است. همزمان نارضایتی کارگران بیکار میهن ما از وجود کارگران افغانی در ایران شدت گرفته است"، که باید گفت این کارگران ایرانی نیستند که از وجود برادران کارگر افغانی خود نارضایتی اند، بلکه این شما نوکران حلقه پیگوش برزنف هستید که وجود آنها را در ایران به نفع اربابان خود نمی دانید. روستاخه مردم ادامه میدهد که: "در سیلوی تهران حدود ۳۰ هزار کارگر افغانی برای پیمانکار تخلیه گندم کار میکنند و شبها هم در همان محل می خوابند. این امر از نظر حفاظتی مغایرت کامل با قانون کار دارد"، واقعیت این است که این اوارگان درست به این علت آواره شدند که حاضر نبودند مثل شما نوکری سوسپال - امپریالیستهای روسی را بپذیرند و به خوابیدن در کارخانه قناعت می کنند.

جالب است که مزدوران کرملین یک باره به فکر قانون کار و حفاظت کارخانه می افتند که باید بگوئیم این وجود خود شماست که از نظر حفاظتی با قانون استقلال ایران مغایرت کامل دارد. روستاخه مردم ادامه میدهد: "ضدانقلاب از آنان علیه حکومت انقلابی افغانستان سوء استفاده میکند". ضدانقلاب کیست؟ از نظر نوکران برزنف هر کسی حکومت افغانستان را انقلابی نداند، ضد انقلابی است، با این حساب میلیونها ایرانی که یک صدا، حکومت برک را مزدور دانسته و در آنرا محکوم می کنند، ضدانقلابی هستند. که البته ضدانقلاب شما هستند که رژیم مزدور فاشیست برک را "حکومت انقلابی" می نامید و جنایات آن را در کنار مردم افغانستان تائید می کنید. و اما جالب تر از همه وظیفه ایست

تلاش میکند نوکری برای روسیه را زیر پرده "دفاع" از کارگران ایرانی وجود زحمتکش افغانی در ایران سندن زنده و آشکار جنایات روسیه در افغانستان و نتیجه بلا فصل اشغال نظامی آن سامان توسط امپریالیسم روسیه است. و با پیروزی خلق افغان بر اشغالگران روس این مسئله حل خواهد شد، میان کارگران ایرانی و افغانی تضادی وجود ندارد. کارگران آگاه ایرانی که از بونه آزمایش انقلاب سربلند بیرون آمده اند، اهمیت حمایت از برادران افغانی خود را درک میکنند. و بویژه اکنون که با اوج گیری جنبش آزادی بخش مردم افغانستان، زحمتکش مهاجر افغانی فوج فوج برای شرکت در مبارزه مسلحانه برای آزادی میهن به افغانستان باز میگردند، امید آن میرود که در آینده ای نه چندان دور،



# دوا بر قدرت در جستجوی کشورهای وابسته

بنابگفته وزیر خارجه مصر، آمریکا در عرض یکسال گذشته معامله تسلیحاتی به مقدار ۱/۵ میلیارد دلار بامصر انجام داده که در این معامله ۳/۵ فانتوم جنگنده به مصر تحویل گردیده است و قرار شده آمریکا برای آموزش طرز استفاده و هدایت این جنگنده‌ها یک اسکادران هوایی خود را به مصر بفرستد. دو لت مصر نیز در مقابل این عمل تسهیلاتی در اختیار ایالات متحده قرار داده تا به منظور کمک به دفاع از کشورهای عرب حوزه خلیج فارس در مقابل تجاوزات خارجی، و نیز نجات گروگان‌های آمریکایی در ایران استفاده نماید. علاوه بر طبق گفته یکی از مقامات بلند پایه وزارت دفاع قرار شده مصر در مدت ۵ سال آینده کمک نظامی ای به میزان ۲/۶ میلیارد دلار، ۲۵۵ هوا - بیما "ام - ۶۰" و ۶ فروند هواپیمای فانتوم "اف - ۱۶" از آمریکا دریافت دارد.

از طرف دیگر بر قدرت نوظهور روسیه، در این جریان شدید رقابتش با آمریکا، به پایگاه سلطه خود در افغانستان اکتفاء نکرد و برای کسب موقعیت برتر نسبت به آمریکا، بسراغ کشورهای دیگر خاور میانه رفت. روسیه در این رابطه با مخالفت کشورهای عربی مخالف قرارداد کمپ دیویده متشکل از الجزایر، سوریه، لیبی و سازمان آزادیبخش فلسطین و یمن جنوبی استفاده کرده و سعی دارد آنها را به طرف خود کشاند و از این کشورها به عنوان پایگاهی در جهت مقاصد خود و برقراری توازن قوای نظامی در آن منطقه و در مجموع برتری نسبت به آمریکا، استفاده نماید. شوروی اخیراً بعد از فعال شدن آمریکا در مصر، فعالیتش را از جمله با سوریه ارتباط بیشتری برقرار کرده است. طبق خبر روزنامه "الوطن" قرار شده شوروی در آینده بسیار نزدیک علاوه بر معاملات نظامی و تسلیحاتی قبلی، ۳ میلیارد دلار اسلحه مدرن و پیشرفته روسی را با ۸۰٪ تخفیف (!) به سوریه بفروشد. این اعمال و حرکات جدید دو بر قدرت نشاندهنده آماده شدن آنها برای درگیری بیشتر در منطقه است که استقلال و تمامیت ارضی کشورهای منطقه را مورد تهدید قرار میدهد. بر کشورهای منطقه است که آگاهانه علیه این اعمال سلطه طلبانه دوا بر قدرت مبارزه نمایند و با جهت نگرستن در خط ابر قدرت اجازه ندهند که ابر قدرت‌ها از آنها در اجرای مقاصد خود که نهایتاً همان، استثمار خلیجها و کشورهای جهان بویژه جهان سوم است، استفاده نمایند.

در این میان نقش کشور ایران که در منطقه بسیار حساس رقابت دو ابر قدرت یعنی کنار خلیج فارس قرار گرفته و با سیاست قاطع و روشن نه شرقی نه غربی به مبارزه و مقابله بسا هر دو ابر قدرت برخاسته، بسیار مهم است. ایران میتواند با تبلیغ سیاست نه شرقی نه غربی و یادداشتن این مواضع یا کشورهای خاور میانه رابطه برقرار کرده و سعی در جلب آنها به موضعی غیر متعبد و ضد دوا بر قدرت بنماید و به این ترتیب مبارزه برای استقلال کشورهای جهان سوم از دوا بر قدرت را تقویت کند.

# مراسم سالروز خلع ید

۲۹ خرداد مصادف بود با بیست و نهمین سالروز خلع ید از شرکت غاصب نفت انگلیس. مبارزات مردم ایران که از اسالیب قبل برای ملی کردن صنعت نفت شروع شده بود بالاخره میوه خود را داد دکتر محمد مصدق توانست این مبارزات را رهبری نموده و با همت والای تمامی ملت و کارگران صنعت نفت، این ثروت عظیم ملی را از چنگال غارتگران انگلیسی خارج نماید. در ۲۹ خرداد سال ۱۳۳۰ دستهای چپاولگر کمپانی نفتی انگلیس کوتاه شد و مردم میهن ما مزه پیروزی مبارزه متحدانه خود را چشیدند و برای یکبار دیگر نقش تعیین کننده کارگران و زحمتکشان میهن ما بعنوان نیروی بیسروی نهضت های ملی و مردمی در تاریخ ایران نشان داده شد.

طبق گزارش خبرنگاران "رنجبر" به همین مناسبت مجالس گرامی داشت در تحلیل از این روز تاریخی از طرف نیروهای ملی برگزار شد که در زیر گزارش کوتاهی به اطلاع میرسد.

## در محل حزب ملت ایران

مراسم بزرگداشت سالروز خلع ید عصر پنجشنبه ۲۹ خرداد از طرف حزب ملت ایران با حضور جمع کثیری از اعضا و هواداران این حزب در ساختمان مرکزی آن برپا شد. در ابتدا آقای میر عبدالباقی سخنگوی شورای کارگران حزب ملت ایران یادی از دوران سالهای ۱۳۳۰ و چگونگی خلع ید کرد، سپس کارگری قطعه شعری را به مناسبت این روز تاریخی خواند. بعد از آن آقای داریوش فروهر دبیر حزب پشت میکروفون قرار گرفت و برای حاضران سخن گفت. آقای فروهر قبل از پرداختن به موضوع سخنرانی به کسانی که در کشور توطئه میکنند اشاره کرد و هشدار داد که انقلاب ایران درخت تنآوری است که خون دهها هزار شهید آنرا بارور کرده است و هیچ توطئه‌ای در جهان قادر به شکستن آن نیست.

دبیر حزب ملت ایران سپس

به بررسی تاریخ گذشته ایران در زمان اشغال کشور توسط بیگانگان در بیش از ۳۰ سال پیش پرداخت و سیاست موازنه منفی دکتر مصدق را بازگو نمود و در مورد سیاست خارجی ایران در حال حاضر چنین گفت: "امروز در اوج پیروزی انقلاب اسلامی ایران می بینیم که تنها راز پیروزی و تنها شگرد در سیاست خارجی برای بقای هستی این ملت، همچنان پیروی از سیاست موازنه منفی در برابر هر امپریالیست از آمریکا، انگلیس و روس است." آقای فروهر سپس به نقش تعیین کننده کارگران صنعت نفت در خلع ید از شرکت نفت انگلیس پرداخت و از آنان قدر دانی کرد. آقای فروهر با توجه به تجارب تاریخی گذشته و اوضاع کنونی ایران یادآور شد: "سخن را که از آغاز انقلاب در برابر کوفته نظران بارها گفته‌ام، انقلاب اسلامی ایران تداوم نهضت ملی است و نهضت ملی تداوم انقلاب مشروطیت و آن نیز خود تداوم پیکارهایی است که ملت ایران برای رهایی از سلطه بیگانگان پس از شکست در برابر امپریالیستها آغاز کرد. هیچکس و هیچگاه نمی‌تواند نقش برجسته جامعه روحانیت و پیشوایان روحانی را در این سلسله زنجیر مبارزاتی انکار کند ولی هیچکس هم نمی‌تواند بگوید که دیگران سرباز مبارزی چون ستارخان و باقرخان، چون حیدر عموغلی و چون میرزا کوچک خان و سرانجام چون مصدق و قاطعی‌ها در این مبارزه ملی سهمی نداشته‌اند."

در پایان آقای فروهر یادآور شد که میهن در شرایط خطرناکی بسر میبرد و برای درهم شکستن توطئه‌ها نیازمند وحدت هستیم. اما نه از آن نوع وحدتی که گروهی انحصار طلب بجلو بیافتند و بقیه به دنبال آنها بلکه وحدتی که بارها رئیس جمهور گفته است یعنی در خط تداوم انقلاب و برای برهم زدن مرکزهای قدرت خودگامه که امروز سراسر کشور را به ناکامی کشیده است، وحدتی که امکان شروع سازندگی انقلاب را فراهم کند.

نسخه در صفحه ۵

که رسنامه مردم برای دولت تعیین می کند: "وظیفه دولت است که مسئله کارگران خارجی و بویژه افغانی را ضمن مذاکره با دولت‌های مربوطه و بویژه با حکومت انقلابی افغانستان حل کند و آنرا به کشور خود بازگرداند تا برای بخشی از کارگران بیکار ماحل اشتغال فراهم آید." مردم در اینجا مودیانسه

همه زحمتکشان افغانی در میهن آزاد شده خود بازسازی کشور و ساختن افغانستانی مستقل، آزاد و شکوفان را آغاز کنند. آن کسانی که باید هر چه سریعتر به لانه خود برگردند روسهای اشغالگر ندکه سرانجام مردم افغانستان آنها را از سرزمین خود جارو خواهند کرد.

رفقای حزبی، هواداران رنجبران! مبارزه ما در جبهه مالی با مشکلات روبروست قریب یکماه بیشتر به موعده مقرر برای جمع آوری یک میلیون تومان نمانده است باید طبق یک برنامه‌ای دقیق و حساب شده به جنگ برای رفع این مشکل برخاست. هیچ مشکلی نیست که آسان نشود اما شرط دارد. اولین شرط آزاده ما برای از بین بردن مشکل است. باید مصمم شد این وظیفه مهم را به سرانجام رسانید. دومین شرط بسیج توده‌هاست. بدون توده‌ها، هر چه قدر هم مصمم و با آزاده باشیم کاری نمی‌توانیم بکنیم. در آخرین تحلیل این توده‌ها هستند که سر نوشت کار را تعیین میکنند. آیا ما قادریم تا یکماه دیگر به هدف یک میلیون تومان کمک برسیم؟ جواب را به شما خواننده متعهد رنجبر واگذار میکنیم.

کمک‌های مالی رسیده برای رنجبر:

ریخ	اهواز	۱۵۰۰
آقای م	قم	۵۰۰
هواداران حزب در	زاهدان	۲۱۵۵۰
ریال		
ریال		
ریال		

**ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید**

کمک‌های خود را

بانک ملی ایران

به حساب بانکی زیرواریز نمائید: تهران - شعبه خیابان ایرانشهر

شماره حساب ۵۰۳۶۸

**رنجبر**

ارگان حزب رنجبران ایران

صاحب امتیاز و سردبیر: فرامرز وزیری

مدیر مسئول: علی حجت

تفاتی: خیابان انقلاب جنب سینما روپال

خیابان رامسر کوچه آراسته شماره ۱۷

تفاتی پستی: تهران - صندوق پستی

۳۱۴ - ۱۴۰۱ - منطقه پستی ۱۵

تلفن ۸۲۰۶۹۱ چاپ فست